

جهت خرید فایل word به سایت [www.kandooon.com](http://www.kandooon.com) مراجعه کنید  
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

مقدمه :

در این تحقیق کتاب البیان آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خوئی به صورت تفصیلی معرفی می شود در ابتدا شرح حال و زندگی نامه وی از دوران کودکی تا پایان زندگی گرانبهایش جمع آوری شده و تحقیقات و تألیفات ایشان در حوزه علوم دینی و شاگردانی که در این عرصه مقدس پرورش داده اند ، گرد آوری شده است پس کتاب به صورت ظاهری معرفی شده و بعد از آن ، فهرست کلی از کتاب بیان شده و به دنبال آن به صورت اجمالی خلاصه ای از هر مبحث نوشته شده است و در پایان به قدر بضاعت ، کتاب مذکور مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

جهت خرید فایل word به سایت [www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com) مراجعه کنید  
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

چکیده

ابتدا قرآن را در پیشگاه عظمت آن از دید احادیث و قرآن بررسی می کنیم سپس اعجاز قرآن و اشکالاتی که بر آن گرفته می شود در آیه های نفی اعجاز بحث می شود بعد قاریان هفتگانه ، قرائتهای هفتگانه و حروف هفتگانه مورد تفحص قرار می گیرد سپس راجع به تحریف قرآن و دلایل عدم تحریف و نحوه جمع آوری و تدوین قرآن و حجیت ظواهر آن جستجو شده است . بعد از آن مسأله نسخ در قرآن و نسخ در آیات مختلف بررسی شده و مسأله بدأ در آفرینش و قواعد کلی در تفسیر قرآن و در پایان تفسیر سوره حمد بیان شده است .

آیت‌الله خویی از آن دوران، چنین می‌گوید:

«من در ایامی که در نجف اشرف مشغول تحصیل علوم دینی بودم، بیشتر مقید به آداب و سنن و اوراد و اذکار بودم، و گاهی در مجلس پرفیض مرحوم آیت‌الله سید علی قاضی شرکت می‌کردم و از انفاس قدسیه آن بزرگوار بهره می‌بردم، تا اینکه روزی به ایشان عرض کردم: چیزی به من یاد بدهید و دستورالعملی بگوئید که من انجام بدهم؛ ایشان دستورالعملی را دادند و گفتند چهل روز به این دستور، عمل کن! و من مشغول انجام آن اعمال شدم و چون روز چهلم شد، برای من حالت مکاشفه‌ای رخ داد و من همه حوادث و چگونگی زندگی و آینده خود را مشاهده کرده و دیدم در بالای منبر درس می‌گویم و در منزل نشسته‌ام، مردم می‌آیند و می‌روند، نماز جماعت و مراجعات مردم و حالات گوناگون خودم را مانند آینه‌ای که در پیش رویم باشد، تماشا می‌کنم، تا این که رسید به جایی که یک مرتبه شنیدم کسی بالای گلدسته حضرت می‌گوید: (انا لله و انا الیه راجعون) ایها الناس با کمال تأسف آیت‌الله خویی از دنیا رفت. و در این جا آن حالت از من بر طرف شد و به حال عادی برگشتم.»<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - مردان علم در میدان عمل، ج ۵، ص ۳۸۶

به اعتقاد آیت الله سبحانی، رمز موفقیت فرزانه خوی عبارت است از:

الف- فهم و هوش و دریافتن مطالب، به صورت صحیح؛

ب- حفظ و ضبط مطالب، بدون آن که با مرور زمان فراموش شود؛

ج- تصرف و موشکافی در مطالب؛

د- نوآوری.

این فقیه برجسته در اثر تلاش‌های شبانه روزی، استفاده از نبوغ خدادادی و پشتکار مداوم، توانست در سال ۱۳۵۲ هـ.ق. از آیت الله نائینی، آیت الله کمپانی، آیت الله عراقی، آیت الله بلاغی، آیت الله میرزاعلی آقا شیرازی و آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی اجازه اجتهاد بگیرد.<sup>۱</sup>

اسطوره تدریس

یکی از بارزترین خصوص آیت الله خویی، اهمیت دادن به تدریس و تعلیم است. او بیش از هفتاد سال، شیفتگان معارف جعفری علیه السلام و تشنگان فقه امامیه را از کوثر زلال معارف ال محمد صلی الله علیه وآله سیراب نمود.

وی در طول این مدت، توانست با تحمل زحمات طاقت فرسا، صدها مجتهد تربیت کند. بسیاری از شاگردان او به مقام مرجعیت، تدریس و اداره حوزه‌های علمیّه نائل آمده‌اند. این استاد گرانمایه درباره اهمیت تدریس، فرمود:

«من به تجربه دریافته‌ام که انسان باید آموخته‌هایش را به دیگران بیاموزد. در درس گفتن یک نوع نبوغ برای انسان حاصل می‌شود که خیلی مفید است.»

<sup>۱</sup> - یادنامه آیت الله خوئی، ص ۶۵.

ایشان در آغاز جوانی، به تدریس پرداخت. او در این باره می‌گوید:

«زمانی که دومین جلد شرح لمعه را فرا می‌گرفتم، به تدریس اولین جلد این کتاب پرداختم.»

آیت‌الله خویی درباره پیشینه تدریس خویش، می‌نویسد:

من بسیار تدریس کرده‌ام و در فقه، اصول و تفسیر جلسات درس بسیاری تشکیل داده‌ام و جمعی بی‌شمار از اندیشمندان را در حوزه علمی نجف‌اشرف پرورش داده‌ام. من خارج مکاسب شیخ انصاری و همچنین کتاب صلوة را، از اول تا آخر، دو بار تدریس کرده‌ام. در ۲۷ ربیع‌الاول ۱۳۷۷ هـ.ق. به تدریس کتاب عروه الوثقی پرداختم - از باب طهارت شروع نمودم و در ۲۶ ربیع‌الاول ۱۴۰۰ هـ.ق. به کتاب اجاره رسیدم و اکنون (ماه صفر ۱۴۰۱ هـ.ق) در صدد اتمام این کتاب هستم. - محاضرات خود در فن اصول را - از آغاز تا پایان - شش بار (بر صدها نفر از دانشوران) القاء کردم و دوره هفتم را به سبب سنگینی وظایف و مسئولیت‌های مرجعیت، در مبحث ضدّ رها ساختم.

در سال‌های گذشته، به تدریس علم تفسیر همت گماشتم و پس از مدتی، بر خلاف خواسته قلبی‌ام، از آن دست برداشتم و چقدر دوست می‌داشتم این درس ادامه می‌یافت و منتشر می‌شد. خداوند را سپاس می‌گویم که در خلال این سالیان طولانی، لجزه‌ای از تدریس باز نایستاده و به جز روزهای بیماری و سفر، همواره به تعلیم اشتغال داشتم.

## در سنگر مناظره

فرزانه خوی علاوه بر تدریس علوم اسلامی، در فن مناظره با مخالفان و دانشمندان سایر ادیان نیز خبره بود. آیت‌الله خویی در مناظره، شیوه سقراط را در پیش می‌گرفت و ابتدا، تظاهر به قبول گفتار طرف مقابل می‌کرد، آن‌گاه مانند یک شاگرد که در مقام دانش‌طلبی و استفاده از استاد دانشمند خود است، اشکالات و مطالبی را به عنوان سوالات علمی، با مهارت خاصی پیش می‌کشید و موجب می‌شد که طرف مناظره حقایقی را به زبان آورد که ناخواسته، گفتار قبلی‌اش را نقض کند. بدین گونه او را در تناقض‌گویی و بن‌بست قرار می‌داد و راه فراری برای وی باقی نمی‌گذارد، جز این که ناگزیر به جهل و اشتباه خود اعتراف کند.<sup>۱</sup>

بعضی از مناظرات آیت‌الله خویی در کتاب البیان نقل شده است، از جمله: مناظره با دانشمندی یهودی درباره جاودانگی قرآن و مناظره با عالم سنی درباره سجده کردن بر خاک. گفت‌وگوی او با عالم سنی حجاز، با حضور شخصیت‌های مذاهب گوناگون اسلامی، ۱۰ شب در مسجد النبی صلی‌الله علیه و آله به طول انجامید و سرانجام، طرف مناظره تمام گفته‌های ایشان را پذیرفت. در اثر همین گفت‌وگوها بود که عده‌ای از برجستگان اهل سنت، مانند دکتر سید محمد تیجانی سماوی، استاد مالکی مذهب دانشگاه زیتونیّه تونس به مذهب مقدس تشیع گرویدند.

<sup>۱</sup>-ترجمه البیان، ص ۱۲.

تألیفات و شاگردان

فرزانه خوی برای نشر معارف اهل بیت علیه السلام و گسترش علوم اسلامی، لحظه‌ای نیاستود. ایشان علاوه بر پرورش شاگردان، در تألیف کتاب‌های ارزشمند علمی نیز کوشش‌های چشم‌گیری داشت.

شمار فراوان آثار آیت‌الله خویی - با توجه به این که وی همواره به تدریس، پاسخ به استفتائات و پرداختن به امور مرجعیت مشغول بود - بیانگر تلاش شبانه روزی او برای احیای فرهنگ اهل بیت علیهم السلام است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این زمینه می‌فرماید:

باید یاد نیکی از عالم بزرگوار و مرجع عظیم‌الشان که اخیراً رحلت کردند، یعنی مرحوم آیت‌الله العظمی آقایی خویی بکنیم. ما به ایشان نه از دید یک مرجع، بلکه از دید یک محقق، مولف و مدرس موفق نگاه می‌کنیم. آنچه درباره این بزرگوار و امثال ایشان، غالباً بعد از وفات صحبت می‌شود، جنبه‌های مربوط به مرجعیت این بزرگواران است، در حالی که آنچه در زندگی این افراد و شخصیت‌های برجسته اهم است، خصوصیات است که مستقیماً به مرجعیت آن‌ها، مربوط نیست، بلکه می‌شود گفت مرجعیت آن‌ها، ناشی از آن خصوصیات است و آن، همان جنبه علمی، تحقیقی، تدریسی و کار موفق و پی‌گیر آنان در این زمینه است. اگر شما به زندگی این بزرگوار نگاه کنید، می‌بینید حداقل در سه رشته علمی و درس مهم، دارای فرآورده‌های علمی تحقیقی هستند، که یکی فقه، دیگری اصول و سومی رجال است. این همه کتاب‌های فقهی و اصولی که شاگردان ایشان نوشته‌اند، همه از کلمات ایشان است و شما به این‌ها اضافه کنید آنچه را که از قلم خود ایشان مستقیماً صادر شده است، کتاب بزرگ

و کم‌نظیر رجالی ایشان که ظاهراً آن را در سال‌های اواخر عمرشان نوشته‌اند- چون ذکر می‌کنند که من این کتاب را با اشتغال زیاد و در دوران پیری می‌نویسم- یک فرآورده علمی عظیم است. حال شما ببینید یک عالمی که این مقدار فرآورده علمی دارد، چقدر می‌تواند تأثیر در حوزه‌های علمی، نه فقط در زمان خود، حتی بعد از زمان خود بگذارد.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> - به نقل از سخنان مقام معظم رهبری



## الف) تألیفات

آیت الله خویی ۳۴ کتاب در موضوعات مختلف اسلامی تألیف نموده‌اند که عناوین آنها عبارتند از:

- ۱- نفحات الاعجاز (در اثبات جاودانگی قرآن)؛ ۲- البیان فی تفسیر القرآن؛ ۳- معجم رجال الحدیث، این کتاب یکی از کم نظیرترین کتاب‌های رجال شیعه می‌باشد که در بردارنده شرح حال ۱۵۷۰۶ نفر از زنان و مردان راوی حدیث می‌باشد. این کتاب برای پنجمین بار، در سال ۱۴۱۳هـ.ق. و در ۲۴ جلد منتشر شده است؛ ۴-
- اجود التقریرات: این کتاب تقریرات درس اصول میرزای نائینی است که آیت الله خویی آن را در ۳۱ سالگی نوشته است؛ ۵- تکمله منهاج الصالحین؛ ۶- مبانی تکمله منهاج الصالحین؛ ۷- رساله در خلافت؛ ۸- قصیده در مدح امیرالمومنین علیه السلام: آیت الله خویی آن را در ۹۰۰ بیت در وصف علی علیه السلام سروده است و علامه سید مهدی موسوی خراسانی، آن را در سه جلد شرح کرده است؛ ۹- رساله در لباس مشکوک؛ ۱۰- المسائل المنتخبه؛ ۱۱- تعلیقه بر عروه الوثقی؛ ۱۲- تعلیقه بر المسائل الفقہیہ؛ ۱۳- تهذیب و تتمیم منهاج الصالحین؛ ۱۴- المسائل و الردود؛ ۱۵-
- مستحدثات المسائل؛ ۱۶- توضیح المسائل؛ ۱۷- منتخب توضیح المسائل؛ ۱۸-
- منتخب الرسائل؛ ۱۹- تلخیص المنتخب؛ ۲۰- تعلیقه المنهج لاحکام الحج؛ ۲۱-
- مناسک حج؛ ۲۲- منیة المسائل؛ ۲۳- ازاله المحاده عن ملک المنافع المتضاد: این رساله در سال ۱۳۵۱ هـ.ق. به امر آیت الله میرزا علی آقا شیرازی نوشته شده است.
- ۲۴- اضائة القلوب بتحقیق المغرب و الغروب؛ ۲۵- انارة العقول فی انتصاف

المهر بموت احد الزوجین قبل الدخول؛ ۲۶- فقه القرآن علی المذاهب  
الخمس؛ ۲۷- قاعدة التجاوز؛ ۲۸- فهرست جامع الشتات میرزای قمی؛ ۲۹-  
تقریرات درس فقه مرحوم میرزای نائینی؛ ۳۰- تقریرات درس فقه مرحوم محقق  
اصفہانی؛ ۳۱- حاشیه بر وسیله النجاه؛ ۳۲- حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری؛ ۳۳-  
تعارض الاستصحابین؛ ۳۴- تقریرات درس اصول مرحوم محقق اصفہانی<sup>۱</sup>

### ب) شاگردان

حاصل تلاش‌های شبانه روزی این بزرگ مرجع شیعه که در فاصله سال‌های ۱۳۵۰-  
۱۴۱۳ه.ق. در مهم‌ترین مرکز علم و فقاہت شیعه، با تمام قدرت و توانایی به تدریس  
فقه و اصول پرداخت، صدها مجتهد می‌باشد و قشر عظیمی از علمای بزرگ ایران و  
سایر کشورهای اسلامی را شاگردان آن بزرگ مرجع عالم اسلام تشکیل می‌دهند. اینک  
اسامی آنان را ذکر می‌کنیم:

سید علی خامنه‌ای، سید ابوالقاسم کوکبی، محمد تقی بهجت، میرزا جواد تبریزی، سید  
عبدالکریم موسوی اردبیلی، حسین وحید خراسانی شهید میرزا علی غروی تبریزی،  
سید علی سیستانی، آقا موسی شبیری زنجانی، سید محمد حسین فضل‌الله، اسد حیدر،  
شهید سید محمد علی قاضی طباطبائی، امام موسی صدر، مسلم ملکوتی، محمدتقی  
جعفری، محمد جواد مغنیه، شهید سید محمدباقر صدر، سید عبدالرزاق مقرر، سید  
جلال‌الدین فقیه ایمانی، سید جعفر مروج جزایری، اسماعیل محقق کابلی، سید صادق  
روحانی، سید محمد بجنوردی، دکتر ابوالقاسم گرجی، شیخ مرتضی بروجردی، سید

<sup>۱</sup> معجم الرجال الحدیث، ج ۲۳، ص ۲۴ و یادنامه آیت الله خویی، ص ۷۸.

رضا خلخالی، سید محمدتقی خویی، سید محمد مهدی خلخالی، میرزا رضا لطفی،  
سید علی شاهرودی، سید علاءالدین بحر العلوم، شیخ محمد اسحاق فیاض، شیخ جعفر  
سبحانی، سید محمد روحانی، شهید سید اسدالله مدنی، احمد وائلی، ناصر مکارم  
شیرازی، دکتر سید جعفر شهیدی، سید جواد شبر، سید محمدتقی حکیم، شیخ محمد  
علی توحیدی و سید علی بهشتی.

بیشتر شاگردان آیت الله خویی سخنان استاد در درس های فقه و اصول را به رشته  
تحریر در آورده و منتشر ساخته اند. بعضی از آنان به این قرار است:

- ۱- التنقیح فی شرح العروۃ الوثقی (مباحث اجتهاد و تقلید و طهاره و صلاه) شهید  
حاج میرزا علی غروی تبریزی. ۲- مستند العروۃ الوثقی، (مباحث صلاه، خمس، صوم،  
اجاره) شهید شیخ مرتضی بروجردی. ۳- تحریر العروۃ الوثقی، قربانعلی محقق کابلی.
- ۴- معتمد العروۃ الوثقی، سید رضا خلخالی (حج). ۵- مبانی العروۃ الوثقی، (مضاربه،  
مزارعه، شرکت، ضمان، حواله، نکاح، غصب)، سید محمد تقی خویی. ۶- فقه الشیعہ،  
سید محمد مهدی خلخالی. ۷- فقه العتره، محمدتقی حسینی جلالی. ۸- محاضرات فی  
الفقه الجعفری (مکاسب محرمه) سید علی حسینی شاهرودی. ۹- الدرر الغوالی، رضا  
لطفی. ۱۰- مصباح الفقاهه (مکاسب شیخ) محمدعلی توحیدی. ۱۱- نموذج فی الفقه  
الجعفری، سید عباس مدرسی یزدی. ۱۲- المعتمد، سید محمد رضا خلخالی. ۱۳-  
مصباح الناسک، سید تقی طباطبائی. ۱۴- رساله فی حکم اوانی الذهب، سید تقی  
طباطبائی.

جهت خرید فایل word به سایت [www.kandooon.com](http://www.kandooon.com) مراجعه کنید  
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

در اصول:

- ۱- مبانی الاستنباط، سید ابوالقاسم کوکبی. ۲- المحاضرات، محمد اسحاق فیاض.
- ۳- مصابیح الاصول، سید علاء الدین بحرالعلوم. ۴- جواهر الاصول، شیخ فخرالدین
- زنجانی. ۵- الامر بین الامرین، شیخ محمد تقی جعفری. ۶- الراى السدید فى الاجتهاد و  
التقلید، غلامرضا عرفانیان.

تراوش اندیشه

از انبوه نظریات آیت‌الله خویی، چند نظریه را که دانستن آنها برای همه خوانندگان

مفید است یادآور می‌شویم:

الف- قراءات سبع فاقد سند معتبر به پیامبر صلی‌الله علیه و اله می‌باشد.

ب- هیچ کاهش و افزایشی در قرآن رخ نداده است. آیت‌الله خویی به شبهات مطرح

شده درباره تحریف قرآن به خوبی جواب داده و ثابت نموده‌اند که قرآن در زمان خود

پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و اله جمع شده است.

ج- جمعی از دانشمندان قائل به نسخ فراوان در قرآن شده و از این طریق، از عظمت

آن کاسته‌اند، ولی آیت‌الله خویی معتقد است که جز آیه نجوی، هیچ آیه‌ای نسخ نشده

است.

د- اختلاف افق، تأثیری در ثبوت هلال ندارد. اگر ماه در هر جای دنیا دیده شود،

گرچه در نقاط دیگر ماه قابل رویت نباشد اول ماه یا عید اضحی ثابت می‌گردد.

در سنگر سیاست و مبارزه

آیت‌الله خویی در طول سال‌های پر برکت زندگی خویش، همواره با حکومت‌های

ظالم در حال مبارزه و پیکار بود. ایستادگی وی در برابر مکتب‌های مادی و دشمنان

اسلام و مسلمانان بر کسی پوشیده نیست. در این زمینه نگاهی کوتاه به فهرست برخی

از تلاش‌های سیاسی ایشان در پنجاه سال اخیر، خوانندگان گرامی را با زوایای زندگی

سیاسی آن مرجع دور اندیش آشنا می‌کند:

فتوای تاریخی در مبارزه با مکتب ملحد کمونیستی، حکم به حرمت شرکت در حزب توده، صدور اعلامیه و اظهار نگرانی از تسلط مزدوران بیگانه و افراد نامسلمان بر نقاط حساس کشور، مبارزه با نفوذ صهیونیسم در ایران، استقامت در برابر فشارهای رژیم ستم پیشه صدام، حمایت از قیام شیعیان عراق و پشتیبانی همه جانبه از انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی.

از آغاز حرکت مردم مسلمان ایران علیه رژیم پهلوی، آیت الله العظمی خویی با صدور اعلامیه‌ها، پیام‌ها و تلگراف‌ها، به یاری انقلاب اسلامی شتافت. اقدام‌های وی از سال ۱۳۴۱ به بعد، حاکی از ژرف‌نگری و دوراندیشی این مرجع فقیه می‌باشد. نمونه‌ای از اعلامیه‌های وی را که در پی قیام پانزده خرداد صادر شده است، در ذیل می‌آید:

### بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

قال الله سبحانه و تعالی: (و لا تتركوا الى الذين ظلموا فتمسكم النار و مالکم من دون الله من اولیاء ثم لاتنصرون) کمک و همراهی با ظالمین و ستمگران در شریعت مقدسه اسلامیه از اعظم محرمات است و در حرمت آن، بین علماء اعلام خلافی نیست. نظر به این که دولت فعلی ایران برای پیشرفت مقاصد شوم خود، که مخالف مقررات دین اسلام است، از هر گونه تعدی و ظلم، از زدن و کشتن و زندان بردن آقایان علمای اعلام و طلاب علوم دینی و سایر طبقات مومنین مضایقه ندارد، بر هر فردی از افراد مسلمان در هر لباس و هر مقامی که باشند، واجب است که از همکاری با این دولت خائن خودداری نمایند و بر تمامی مسلمانان لازم است استغاثه حضرت سید الشهداء حسین بن علی علیه السلام را در نظر گرفته و از دین مقدس اسلام دفاع نمایند.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۱۲۵.

نجف اشرف

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

۱۴ / محرم الحرام / ۱۳۸۳ هـ

بخشی از اعلامیه‌های انقلابی ایشان درباره موضوع‌های زیر صادر شده است: تسلط یهود بر کشورهای مسلمان، رفتارندم شاه، یورش مزدوران شاه به مدرسه فیضیه، اهانت رژیم پهلوی به مقدسات اسلامی، مسئله انجمن‌های ایالتی و ولایتی، اعمال ضد دینی رژیم شاه، قیام پانزده خرداد، دستگیری جمعی از علمای آذربایجان، آزاد کردن حضرت امام خمینی، تبعید امام خمینی، قانون شکنی‌های رژیم شاه، مبارزات مردم مسلمان ایران در سال ۱۳۵۷ و همه پرس‌پرسی نظام جمهوری اسلامی.<sup>۱</sup>

آیت‌الله العظمی خوبی اردبیهشت ۱۳۴۲، شاه ایران را محارب با دین می‌خواند و می‌فرماید:

«... حقاً در جهان امروز ما دیگر به هیچ وجه این گونه جرائم زشتی که شاه ایران و دستگاه حاکمه آن برای جنگ با دین و رجال دینی و ملت شریف ایران مرتکب می‌شود، قابل تحمل نیست.»

وی آمادگی خود را برای شهادت در راه دین و قرآن، اعلان می‌نماید و می‌فرماید:

«... من نیز خون خود را در این راه اهداء می‌کنم و بزرگترین افتخار من آن است که این هدیه برای سلامتی دین مقدس اسلام و برای محفوظ ماندن قرآن مجید از انواع تعدیات و برای نابود شدن جنایتکاران وسیله‌ای قرار گیرد نهایت خوشوقتی آن‌جاست

<sup>۱</sup> - اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱.

که این هدیه در پیشگاه حضرت بقیه‌الله اروحنا الفداء مورد قبول واقع گردد. زنده بودن و تماشای عجایب و ملاحظه تسلط دشمنان دیرینه اسلام بر مقدرات مسلمانان در حکم مرگ و تلخ‌تر از مرگ است. بدا به حال ما اگر در مقابل خطر ساکت بنشینیم و ودایع گرانبهای پیغمبران را به رایگان به دست دشمنان بسپاریم. وای بر حال ملت ایران اگر خدای نخواستہ افرادی از دشمن، اختیارات او را به دست گیرد.»

فعالیت‌های چشم‌گیر برای آزادی امام خمینی، استقبال بی‌نظیر از امام خمینی در هنگام ورود ایشان به نجف اشرف، حمایت از رزمندگان اسلام و ترغیب نیروهای عراقی به تسلیم در برابر رزمندگان ایران، عدم توافق با رژیم جنایتکار صدام، صدور اعلامیه ۱۸ شعبان و حمایت آشکار از قیام شیعیان عراق، از دیگر اقدامات سیاسی و مبارزاتی آیت‌الله العظمی خویی است.

**حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب:**

عمر طولانی و پربرکت این مرد بزرگ که نزدیک به یک قرن امتداد یافت، سرشار از آزمایش‌های الهی و نشان‌گر سعی و تلاش یک انسان مومن و پرهیزگار است. ایشان در بسیاری از علوم اسلامی رایج در حوزه‌های علمیه از اساتید مسلم و کم‌نظیر به حساب می‌آمد فقیهی بزرگ و اصولی‌ای عمیق و مفسری نوآور و رجالی‌ای صاحب مکتب و متکلمی زبردست بود.

**آیت‌الله شهید سید محمد باقر صدر:**

اینجانب علاقه شدید و وافر به بزرگ ما و استاد ما، سند و پشتوانه علمی ما حضرت آیت‌الله العظمی خویی دارم. استادی که چشمم به نور معنویت درس ایشان روشن و



طعم حلاوت و شیرینی معرفت را از محضر ایشان چشیدم و می شود گفت که بهترین نعمت های الهی که همان ایمان و علم است و اگر خداوند متعال این نعمت ها را برای من ارزانی داشته است، این از فضل و الطاف استادم می باشد. آن چه من دارم قطره ای از دریای بی کران علم ایشان است و به حق می شود گفت که ایشان پدر روحانی من است.<sup>۱</sup>

### ۳- نویسنده و متفکر شهیر عرب، شیخ محمد جواد مغنیه:

او آفتابی است که اشعه های روشنگر آن در هر زمان و به هر نقطه ای پرتو افکنی می کند، او استاد من و استاد بزرگان علم و دانشمندان نجف می باشد. او همانند محوری است که علوم اسلامی به دور او می چرخد و کسی است که حوزه نجف مرهون زحمات و فعالیت های علمی وی می باشد.

### ۴- دکتر ابوالقاسم گرجی:

از لحاظ بیان دقیق، مستقیم، معقول و مطابق ذوق سلیمی که در عرصه نظرات داشت، نظریات ایشان پیوسته قاطعانه مبتنی بر استدلال های منطقی بود، لذا هم بر دل می نشست و هم در مغز جای گیر می شد و این نه تنها در فقه و اصول بود بلکه در همه علوم اسلام مصداق داشت.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> - غروب خورشید فقاہت ، ص ۱۳۹

<sup>۲</sup> - یادنامه آیت الله خویی ، ص ۱۳.

ویژگی های اخلاقی

آیه الله العظمی خویی علاوه بر مقام ممتاز علمی، دارای خصوصیات بارز تربیتی و اخلاقی بود. در این جا به برخی از خلق و خوی آن معلم اخلاق که برگرفته از گفته های شاگردان و نزدیکان ایشان است، می پردازیم:

#### ۱- همت والا

آیت الله جعفری همدانی در خاطرات خود می گوید:

من با ایشان همدرس و رفیق صمیمی بودیم یک وقتی ایشان به من گفت: دوست دارم مدرس بشوم، مثل مرحوم آقا ضیاء. گفتم: شما بالاتر از این هم می شوی. مرجعیت خواهی یافت! همان هم شد ایشان مرجعیت یافت.<sup>۱</sup>

#### ۲- ساده زیستی

آیت الله خویی از دوران جوانی تا پیری که مرجعیت جهانی یافت، زندگی طلبگی را از دست نداد. او بی آرایش و ساده بود و از تجمل و رفاه طلبی شدیداً پرهیز می کرد. سفره هایش را از غذاهای ساده تشکیل می داد و در صرف وجوهات شرعی کاملاً احتیاط می نمود.

#### ۳- عشق به عبادت و ولایت

آیت الله خویی در کنار تحصیل و تدریس، در مکتب اساتید اخلاق و عرفان حضور یافت و به سیر و سلوک معنوی پرداخت. او برجسته ترین مدرس حوزه علمیه نجف

<sup>۱</sup> -مجله حوزه ش ۵۲، ص ۳۴.

بود و اکثر اوقاتش را صرف مطالعه می کرد، ولی عشق به پروردگار متعال، شب های چهارشنبه او را به مسجد سهله (ده کیلومتری نجف) می کشانید.

او آن چنان از لذت عبادت سرمست می شد، که چهل شب چهارشنبه، پشت سرهم در مسجد سهله بیتوته می کرد و تا صبح، دل به خالق هستی می سپرد.

جذبه ولایت ابی عبدالله الحسین علیه السلام او را آن چنان واله و شیدای خویش می کرد که گاه چهل شب جمعه به کربلا می رفت و با زیارت و ذکر و دعا، قلب خود را صفا می داد و با عبادت عاشقانه به تهذیب نفس و خودسازی مشغول می شد.

آیت الله العظمی خویی رمز موفقیت خویش را در انس به پروردگار و ارتباط با ائمه اطهار علیهم السلام می دانست و از این عامل، به عنوان وسیله پیشرفت سود می جست.

او آن قدر به این نکته اهمیت می داد که هر روز، پیش از درس، به حرم مطهر حضرت امیر مومنان علی علیه السلام می رفت.

#### ۴- احترام به بزرگان

آیت الله جعفری سبحانی در این زمینه می گوید:

«او بزرگان و مراجع را بیش از حد تکریم می کرد. به خاطر دارم، روزی که در مسجدی درس می گفت، حضرت آیت الله سید محسن حکیم پس از درس او، در همان جایگاه تدریس می کرد. استاد پس از فراغت از تدریس، به خاطر مذاکره تلامیذ (و سوالات شاگردان) کمی در جایگاه تدریس باقی ماند، که ناگهان آیت الله حکیم وارد مسجد شد. وقتی چشم آیت الله خویی به وی افتاد، با یک دستپاچگی خاصی کفش و لوازم دیگر خود را برداشت و دست به سینه ایستاد و معذرت خواست.»

## ۵- تشویق اهل دانش

آیت‌الله خویی در مناسبت‌های مختلف، از شاگردان فاضل خود نام می‌برد و مقام و فضل آنان را می‌ستود. وقتی دانشمندی نوشته ارزشمندی را به او هدیه می‌داد، برای تشویق و بزرگ داشت وی تقریظی بر آن کتاب می‌نوشت.

ویژگی‌های اخلاقی آیت‌الله خویی فراوان است. او اسطوره اخلاق بود. هر وقت وارد مجلسی می‌شد، با صدای بلند به حاضران سلام می‌کرد. بسیار مودب بود. هیچ‌گاه سخنی اهانت‌آمیز، حتی توهین علمی از ایشان شنیده نشد. به استادش، میرزای نائینی شدیداً علاقه‌مند بود و همیشه قبل از درس، حمد و سوره می‌خواند و ثوابش را به روح پاک استاد هدیه می‌کرد. در مقابل سختی‌ها و مصیبت‌های روزگار، صبر و بردباری پیشه می‌کرد و خم به ابرو نمی‌آورد. از همه مظاهر کبر و غرور دوری می‌جست. همواره به تحقیق، تألیف و تدریس مشغول بود. کمک به درماندگان، رفتار مسالمت‌آمیز با مخالفان، مهربانی با کودکان، پرهیز از تجمل‌گرایی، نظم، عفو و سعه صدر، از دیگر ویژگی‌های این انسان وارسته می‌باشد.

## خدمات اجتماعی

احداث کتابخانه، مدرسه، مسجد، حسینیه، خوابگاه، درمانگاه، بیمارستان، موسسه خیریه و دارالایتام، یکی دیگر از خدمات آن مرجع بزرگ جهان شیعه می‌باشد. در این جا فقط به ذکر نام مراکزی که توسط آیت‌الله العظمی خویی تأسیس شده است می‌پردازیم:

ایران:

- ۱- مدینه‌العلم، قم. ۲- مدرسه و کتابخانه آیت‌الله خویی، مشهد. ۳- دارالعلم، اصفهان.
- ۴- مجتمع امام زمان علیه‌السلام، اصفهان.

آمریکا:

- ۵- مرکز الامام الخویی الاسلامی، نیویورک. ۶- مرکز الامام الخویی، سوانزی (یکی از شهرهای دانشگاهی جهان). این مرکز قبلاً کلیسا بود. ۷- مسجد و مرکز اسلامی، لوس‌آنجلس. ۸- مسجد و مرکز اسلامی، دیترویت.

هند:

- ۹- المجمع الثقافی الخیری، بمبئی. یکی از بزرگترین موسسات فرهنگی جهان اسلام می‌باشد.

لبنان:

- ۱۰- مبرّه الامام الخویی، بیروت.

فرانسه:

- ۱۱- مرکز اسلامی.

پاکستان:

- ۱۲- مکتبه الثقافه و النشر «انتشاراتی»، کراچی.

مالزی:

- ۱۳- مکتبه الثقافه و النشر، کوآلاامپور.

تایلند:

۱۴- موسسه دارالعلم، بانکوک. ۱۵- مدرسه دینی، بانکوک.

بنگلادش:

۱۶- مدرسه دینی، داکا.

عراق:

۱۷- مکتبه الامام الخویی، نجف اشرف. ۱۸- مدرسه دارالعلم، نجف اشرف.

انگلستان:

۱۹- مرکز الامام الخویی، لندن. این موسسه که در شمال غربی لندن قرار دارد، قبلاً کلیسا بود.

این موسسه شامل: مرکز اسلامی، مدرسه امام صادق علیه السلام (ویژه پسران)، مدرسه الزهرا (ویژه دختران) سالن های غذاخوری، سالن اجتماعات، کتابخانه عمومی، کتاب فروشی و مرکز تبلیغات می باشد.

مجله «النور» از سوی این مرکز، هر ماه به دو زبان عربی و انگلیسی منتشر می شود که در گسترش معارف شیعی در میان مسلمانان اروپا نقش به سزایی دارد. این مرکز بر تمام موسسات آیت الله العظمی خویی در جهان، نظارت دارد.

سفر وصل

آیت الله خویی پس از عمری تلاش در راه تحقق آرمان های بلند اسلامی، سرانجام در ۹۴ سالگی، در عصر روز شنبه، هشتم صفر ۱۴۱۳ هـ.ق. ۱۷ مرداد ۱۳۷۱، از دارفانی

جهت خرید فایل word به سایت [www.kandooen.com](http://www.kandooen.com) مراجعه کنید  
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

به سرای باقی شتافت و مرغ روحش که مالمال از عشق به اسلام و اهل  
بیت علیهم السلام بود، به سوی حق پرکشید. رحمت و رضوان خدا بر او باد. پیکر پاک  
آن فقیه فقید مانند جدش، علی علیه السلام و مادرش، فاطمه علیهما السلام، مظلومانه و  
غریبانه، بدون تشییع در مسجد خضراء دفن شد.

پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب ، حضرت آیت الله  
خامنه ای

بسم الله الرحمن الرحيم

(انا لله و انا اليه راجعون)

با تاسف فراوان با خبر شدیم که عالم جلیل القدر و فقیه عظیم الشان حضرت آیت الله  
العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خوبی مرجع تقلید بزرگوار، روز گذشته دارفانی را  
وداع گفته و به جوار رحمت حق رحلت نمودند.

این حادثه برای جهان اسلام مخصوصاً حوزه‌های علمیّه مصیبتی بزرگ است. آن عالم  
بزرگ، بقیه سلف صالح و یکی از مراجع تقلید دوران معاصر بود. ایشان در بسیاری از  
علوم رایج در حوزه‌های علمیّه از اساتید مسلم و کم نظیر به حساب می‌آمد.

فقیهی بزرگ و اصولی‌ای عمیق و مفسری نوآور و رجالی‌ای صاحب مکتب و متکلمی  
زبردست بود. آثار علمی ارزشمند این مرد بزرگ به ده‌ها جلد کتاب در فقه و اصول و  
تفسیر و رجال منحصر نمی‌شود. هزاران شاگرد تربیت یافته در حوزه دروس غنی و  
سرشار او هم اکنون در همه بلاد اسلامی منتشرند. این بزرگوار یکی از نخستین کسانی  
بود که پس از شروع نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی حوزه علمیّه نجف را به  
اهمیت حوادث ایران متوجه ساخت و سعی و کوششی ارجمند در همراهی با حرکت  
عظیم روحانیت و مردم در ایران مبذول کرد. در نهضت خونین مردم عراق در رمضان  
سال ۱۴۱۲ هجری قمری قطب اصلی نهضت و مرکز صدور حکم قیام اسلامی بود و  
به همین جهت پس از سرکوب شدن این نهضت به وسیله رژیم خونخوار بعثی این  
کهن مرد دانشمند مورد آزار و شکنجه و اهانت مأموران سنگدل بعثی قرار گرفت و در



معرض خطر جدی واقع شد و پس از آن که به فضل الهی از خطر نجات یافت تا مدت‌ها در شرایط سخت زیر نظر ماموران بعثی قرار گرفت. عمر طولانی و پربرکت این مرد بزرگ که نزدیک به یک قرن امتداد یافت، سرشار از آزمایش‌های الهی و نمایش‌گر سعی و تلاش یک انسان مومن و پرهیزگار است. این‌جانب مصیبت درگذشت این مرجع بزرگوار تقلید را به حضرت بقیة الله الاعظم - اروحنا له الفداء - و جهان تشیع مخصوصاً حوزه‌های علمیه و علما و فقهای بزرگ و نیز به خانواده محترم و فرزندان ایشان و همه دوستداران و مقلدین ایشان تسلیت می‌گویم و رحمت و فضل و مغفرت الهی را برای ایشان مسئلت می‌نمایم.

یکشنبه نهم صفر ۱۴۱۳ هجری  
قمری

سید علی خامنه‌ای

معرفی نویسنده البیان و شرح حال وی  
شب پانزده ماه رجب سال ۱۳۱۷ هجری قمری برای جهان اسلام دنیای تشیع شب  
مبارک و فرخنده‌ای بود در آن شب آیت الله حاج شیخ علی اکبر فرزند سید هاشم  
موسوی خوئی (از علمای بزرگ و نامی شهرستان خوی) صاحب فرزندی شد که  
سالیان بعد هفتاد سال بر کرسی تدریس در مهمترین حوزه علمی عالم تشیع تکیه زده  
با پرورش صدها عالم و مجتهد و تألیف ده ها کتاب و تأسیس مراکز علمی و فرهنگی  
متعدد در رأس مرجعیت جهان شیعه قرار گرفت. وی یکی از پرچمداران موفق علوم  
اسلامی در زمان معاصر گردید. چند ماه بود که آیت الله سید علی اکبر خوئی در  
انتظار فرزند بود. سراسیمه وارد شد و به ایشان گفت دیشب در مورد شما خوابی  
دیدم و حامل پیامی هستم. دیشب در عالم رؤیا حضرت علی (ع) را دیدم که فرمود  
به سید علی اکبر بگو که حمل عیالش پسر است و اسم او را ابوالقاسم گذاشتم «وله  
شأن» برای او مقامی خواهد بود سرانجام در پانزده رجب سال ۱۳۱۷ هجری قمری  
نوزدای که همه منتظرش بودند چشم به جهان گشود پدرش بنا به سفارش حضرت  
علی (ع) نام او را ابوالقاسم گذاشت. سید ابوالقاسم دوران کودکی را در دامان پر مهر  
و محبت پدر و مادر در فضای آکنده از معنویت پشت سر نهاد. او علوم مقدماتی را تا  
۱۳ سالگی در زادگاه خویش فرا گرفت. آیت الله علی اکبر خوئی در سال ۱۳۳۰  
هجری قمری به نجف اشرف کوچ کرد و سید ابوالقاسم توانست در حوزه علمیه  
نجف ادامه تحصیل دهد.

سید ابوالقاسم بر اثر هوش و حافظه قوی در مدت کوتاهی توانست ادبیات عرب ،  
منطقه لمعتین ؛ رسائل ، مکاسب و کفایه رافراگیرد و در بیست و یک سالگی در درس  
خارج آیت الله سید فتح الله شریعت اصفهانی معروف به شیخ الشریعه حضور یافت .

هوش و زکاوت او به گونه ای بود که روزی در سخن مطهر امیر مؤمنان علی (ع) از  
مرحوم آیت الله سید محمد کاظم یزدی سئوالی می پرسد و جواب ایشان را با مطلبی  
که در کتاب عروه ، هوش این نوجوان را تحسین کرده و به پدرش سفارش می کند که  
قدر این فرزندی را بدان چون او آینده ای درخشان خواهد داشت . سید ابوالقاسم  
درباره استادان بزرگ خود در فقه و اصول چنین می گوید که من درس خارج را در  
محضر تعدادی از استادان بزرگ آن زمان آموختم ولی در میان آنان از پنج نفر یاد  
می کنم که خداوند بزرگ روح آنان را قرین رحمت فرماید این پنج نفر عبارتند از :

- (۱) آیت الله شیخ فتح الله معروف به شیخ البشریه اصفهانی (۲) آیت الله شیخ مهدی  
مازندرانی (۳) آیت الله شیخ ضیاء الدین عراقی (۴) آیت الله شیخ محمد حسین  
اصفهانی (۵) آیت الله شیخ محمد حسین نائینی .

من از دو استاد اخیر بیشتر بهره بردم و یک دوره کامل از اصول را نزد آنان فرا  
گرفتم و برخی از کتابهای فقهی را نزد آنان آموختم من درسهای آنان را برای  
شماری از شاگردان آن بزرگواران تقریر می کردم. مرحوم نائینی آخرین استاد  
بزرگوار من بود که تا آخر عمر ملازم محضر او بودم « من از او اجازه روایت  
گرفتم و او به من اجازه داد که کتب اربعه را از ایشان نقل کنم »<sup>۱</sup>

۱- معجم الرجال الحدیث ج ۲۳ ، ص ۲۱

او در ۳۵ سالگی از سوی مراجع عظام و بزرگان حوزه مفتخر به کسب اجازه اجازة اجتهاد گردید و با اهتمامی دو چندان به تدریس و تألیف و تحقیق روی آورد . آیت الله العظمی خوئی در کنار تحصیل علم و دانش به تهذیب نفس و خودسازی پرداخت . او عرفان را از آقا شیخ مرتضی طالقانی ، آقا سید عبدالغفر مازندرانی و میرزا علی آقا قاضی فرا گرفت . آنان در سیر و سلوک مذهبی و شکل گیری شخصیت عرفانی آیت الله خوئی نقش زیادی داشتند آیت الله خوئی کلام ، تفسیر و فن مناظره را از آیت اله شیخ محمد جواد بلاغی نجفی ( از سال ۱۲۸۲ تا ۱۳۵۲ هجری قمری ) فرا گرفت . علاقه به یادگیری حکمت و فلسفه او را به محضور سید حسین بادکوبه ای کشانید . آیت الله خوئی درسهای ریاضیات ، حساب استدلالی ، هندسه فضایی و مسطحه و جبر را نزد آیت الله سید ابوالقاسم خوانساری آموخت .<sup>۱</sup>

او گاه چهل شب جمعه به کربلا می رفت و گاه چهل شب جمعه در مسجد سهله بیتوته می کرد و رمز موقعیت خود رانیز همین ارتباط تنگاتنگ به ائمه اطهار معرفی می کرد و هر روز قبل از شروع درس به حرم امیر مؤمنان علی (ع) تشریف یافته و سپس در کلاس درس حاضر می شد . پس از وفات آیات عظام سید عبدالهادی شیرازی ، سید محسن حکیم ، سید محمود شاهرودی و مهاجرت امام خمینی (ره) از حوزه نجف و خالی شدن عرصه از حضور قدرتمند و مستحکم مراجع شیعه هیچ کس همچون حضرت آیت الله خوئی به خوبی نتوانست به اتخاذ مواضع

۱- مجله حوزه شماره ۳۰، مصاحبه با آیت الله حسینی همدانی

جهت خرید فایل word به سایت [www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com) مراجعه کنید  
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

حکیمانه و ایستادگی های قهرمانانه سیاستهای شیطانی رژیم بعث را در فروپاشی و  
نابودی حوزه علمیه نجف نقش بر آب کند.

[www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com)  
[www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com)  
[www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com)

جهت خرید فایل word به سایت [www.kandooch.com](http://www.kandooch.com) مراجعه کنید  
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

مشخصات ظاهری کتاب

نام کتاب : البیان

موضوع : مسائل کلی در علوم و شناخت قرآن

مؤلف : مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی خوئی ( قدس سره )

مترجمان : محمد صادق نجمی - هاشم زاده هریسی

حروفچینی و صفحه آرایی : محمد هاشم زاده

تاریخ نشر: چاپ اول در بهمن ماه سال ۱۳۶۱ و به میمنت آغاز پنجمین سالگرد

انقلاب اسلامی بود و با تیراژ ۲۰/۰۰۰ جلدی به چاپ رسید

تاریخ نشر: چاپ پنجم در دو جلد ، جلد اول آن در تابستان سال ۱۳۷۵ و تیراژ آن

۵۰۰۰ جلد و جلد دوم آن در زمستان سال ۱۳۷۵ و تیراژ آن ۵۰۰۰ جلد به چاپ

رسیده است .

ساختار کتاب :

### پیشگفتارها

۱- گفتاری از ناشر ۲- گفتاری از ترجمه کنندگان ۳- گفتاری از مؤلف (ره)

#### ❖ بخش (۱)

### در پیشگاه عظمت قرآن

۱- قرآن از دیدگاه قران و حدیث ۲- فضیلت قرائت قرآن و آداب آن ۳- احادیث

جعلی در فضیلت قرائت قرآن ۴- دقت و تدبیر در معانی قرآن

#### ❖ بخش (۲)

### اعجاز قرآن

۱- شناخت معجزه ۲- معجزه پشتوانه نبوت است ۳- تناسب در اعجاز ۴- قرآن

معجزه الهی است ۵- قرآن معجزه جاودان ۶- اعجاز قرآن از نظر معارف عقلی و فلسفی

۷- مقایسه قرآن با تورات و انجیل ۸- اعجاز در هماهنگی قرآن ۹- اعجاز قرآن در

تشریح و قانونگذاری ۱۰- حقایق خلل ناپذیر در قرآن ۱۱- اخبار غیبی در قرآن ۱۲-

اسرار آفرینش در قرآن

#### ❖ بخش (۳)

### پندارهایی درباره اعجاز قرآن

۱- اشکال ادبی در قرآن ۲- آیا فهم اعجاز قرآن همگانی است ۳- آیا قرآن قابل

معارضه است؟ ۴- آیا قرآن با کتب آسمانی پیشین تناقض دارد؟ ۵- تناقض در قرآن

۶- آیا اعجاز قرآن قابل نص است؟ ۷- علل انصراف از معارضه با قرآن ۸- تناسب

تدوین قرآن با اعجاز قرآن ۹- تفاوت روش بیان قرآن با روش سخن سرایان

۱۰- مسأله معارضه با قرآن

#### ❖ بخش (۴)

معجزات دیگر پیامبر اسلام (ص) و پیامبران  
گذشته

۱- بررسی نخستین آیه نفی اعجاز ۲- بررسی دومین آیه نفی اعجاز ۳- بررسی سومین  
آیه نفی اعجاز ۴- نبوت محمد در تورات و انجیل ۵- خلاصه مطالب

#### ❖ بخش (۵)

قاریان هفتگانه قرآن

۱- عبدالله بن عامر دمشقی ۲- ابن کثیر مکی ۳- عاصم بن بهدله کوفی ۴- ابو عمر  
بصری ۵- حمزه کوفی ۶- نافع مدنی ۷- کسائی کوفی  
سه قاری دیگر

۱- خلف بن هشام ۲- یعقوب بن اسحاق ۳- یزید بن قفصاع

#### ❖ بخش (۶)

قرائتهای هفتگانه قرآن

۱- عدم تواتر قرائتهای هفتگانه ۲- بررسی نظریه تواتر قرائتهای هفتگانه ۳-  
قرائتهای هفتگانه غیر از حروف هفتگانه است ۴- در پیرامون حجیت قرائتهای  
هفتگانه

#### ❖ بخش (۷)

حروف هفتگانه قرآن



۱- بررسی روایتهای حروف هفتگانه قرآن ۲- معانی و تأویلات حروف هفتگانه

قرآن

#### ❖ بخش (۸)

### بحثی در پیرامون مسئله تحریف قرآن

۱- معانی و اقسام تحریف ۲- عقیده مسلمانان در تحریف قرآن ۳- نسخ تلاوت در قرآن ۴- دلایل عدم تحریف قرآن: ( ۱- تحریف از نظر قرآن، ۲- تحریف از نظر سنت و احادیث، ۳- قرائت سوره های قرآن در نماز ۳۳۶، ۴- قرآن بوسیله خلفا تحریف نگردیده است، ۵- عدم تحریف قرآن در دوران عثمان، ۶- عدم تحریف قرآن در دورانهای بعد از خلفاء )

۵- دلایل طرفداران تحریف قرآن و پاسخ آنها: ( ۱- تحریف تورات و انجیل، ۲- روایات تحریف، ۳- قرآن چگونه جمع آوری گردید. )

#### ❖ بخش (۹)

### جمع آوری و تدوین قرآن

۱- روایات تدوین ۲- پاسخ روایات تدوین قرآن: ( پاسخ ۱- تناقض در روایات تدوین، ۲- پاسخ- تعارض در روایات تدوین، ۳- روایات تدوین قرآن از نظر قرآن، ۴- پاسخ- روایات تدوین قرآن از نظر عقل، ۵- پاسخ- روایات جمع آوری قرآن و اجماع مسلمین، ۶- پاسخ- اجماع مسلمانان به عدم زیادت در قرآن )

۳- نتیجه بحث

❖ بخش (۱۰)

### حجیت ظواهر قرآن

#### دلایل حجیت ظواهر قرآن

- ۱- قرآن کتاب توده مردم است ۲- قرآن دلیل نبوت است ۳- قرآن بزرگترین مرجع مسلمانان است ۴- قرآن محک روایات است ۵- ائمه با ظواهر قرآن استدلال می کردند

#### دلایل عدم ارجحیت ظواهر قرآن

- ۱- آیا فهمیدن قرآن به عده مخصوصی اختصاص دارد ؟ ۲- تفسیر به رأی و دلخواهی ممنوع است . ۳- معانی قرآن عمیق و ریشه دار است . ۴- آیا معانی ظاهری قرآن مقصود نیست ؟ ۵- پیروی از آیات متشابه ممنوع است ؟ ۶- تأثیر تحریف قرآن در عدم حجیت ظواهر قرآن

نتیجه بحث

❖ بخش (۱۱)

تعلیقات و پاورقیها

- ۱-مصادر حدیث ثقلین ۲- شرح حال حادث همدانی ۳- مصادر حدیث «لتوکن سنن من قبلکم» ۴-گفتگوی مؤلف با یک دانشمند یهودی ۵- ترجمه قرآن و شرائط آن ۶- مجادله قریش با رسول خدا (ص)

❖ بخش (۱۲)

مسأله نسخ در قرآن

- ۱-معنای نسخ ۲- نسخ در احکام ۳- نسخ در تورات و انجیل ۴- نسخ در اسلام و قرآن ۵- بررسی آیات ناسخ و منسوخ : ۱- نسخ در آیه عفو کفار ۲- نسخ در آیه قبله ۳- نسخ در آیه قصاص ۴- نسخ در آیه وصیت ۵- نسخ در آیه صیام ۶- نسخ در آیه فدیة ۷- نسخ در آیه جهاد ۸- نسخ در آیه تحریم جنگ در ماههای حرام ۹- نسخ در آیه ازدواج زنان اهل ایمان ۱۰- نسخ در آیه آزادی در عقیده ۱۱- نسخ در آیه اتیان فاحشه ۱۲- نسخ در آیه حلیت زنان ۱۳- نسخ در آیه متعه ۱۴- نسخ در آیه ارث ۱۵- نسخ در آیه سکر ۱۶- نسخ در آیه مصونیت کفار ۱۷- نسخ در آیه فضا ۱۸- نسخ در آیه شهادت ۱۹- نسخ در آیه حصاد ۲۰- نسخ در آیه لحوم ۲۱- نسخ در آیه تحریم فرار از جهاد ۲۲- نسخ در آیه صلح ۲۳- نسخ در آیه استقامت در جنگ ۲۴- نسخ در آیه تهدیر ۲۵- نسخ در آیه استیزان ۲۶- نسخ در آیه تخلف از جنگ ۲۷- نسخ در آیه صبر و شکیبایی ۲۸- نسخ در آیه صفح ۲۹- نسخ در آیه اباحه خمر

۳۰- نسخ در آیه ازدواج ۳۱- نسخ در آیه اغماض ۳۲- نسخ در آیه اسیران جنگی

۳۳-۳۴- نسخ در آیه حق سائل ۳۵- نسخ در آیه نجوا ۳۶- نسخ در آیه فیء

#### ❖ بخش (۱۳)

#### مسأله بدا در آفرینش

۱- رابطه تقدیر و اراده خدا ۲- حقیقت بدا ۳- دلایل بدا ۴- آنجا که بدا راه ندارد

۵- آثار عقیده به بدا ۶- معنای بدا از نظر شیعه

#### ❖ بخش (۱۴)

#### قواعد کلی در تفسیر قرآن

۱- معنای تفسیر ۲- مدارک تفسیر ۳- تفسیر قرآن با خبر واحد ۴- تخصیص قرآن

با خبر واحد ۵- اشکالها و پاسخها

#### ❖ بخش (۱۵)

#### مسأله حدوث و قدم قرآن

۱- پیدایش عقیده به کلام نفسی و قدم قرآن ۲- تحقیق در کلام نفسی ۳- بررسی

دلایل اشاعره به وجود کلام نفسی

#### ❖ بخش (۱۶)

#### تفسیر سوره حمد

۱- مسائل کلی در پیرامون سوره حمد ۲- تفسیر آیه «بسم الله...» ۳- نکاتی در پیرامون

آیه «بسم الله...» ۴- تفسیر بخش اول سوره حمد ۵- تفسیر بخش دوم سوره حمد ۶-

مسأله عبادت و اطاعت ۷- مسأله استعانت و شفاعت ۸- تفسیر آخرین بخش سوره

حمد ۹- بخشی پیرامون مسأله هدایت

❖ بخش (۱۷)

تعلیقات و پاورقیها

- ۱- تحریف حدیث متعه ۲- نظریه محمد عبده در باره مسائل سه طلاق ۳- افترای رازی بر شیعه ۴- احادیث اراده خدا در آفرینش ۵- احادیث تأثیر دعا در سرنوشت
- ۶- اهمیت آیه « بسم الله ... » ۷- احادیث آغاز آفرینش ۸- احادیث جزء قرآن بودن « بسم الله .. » ۹- داستان فراموش کردن معاویه « بسم الله ... » ۱۰- احادیث تلاوت « بسم الله... » در نماز ۱۱- احادیث زیارت قبور ۱۲- تهمت آلوسی بر شیعه ۱۳- مناظره مؤلف با یک دانشمند حجازی ۱۴- فضیلت خاک قبر امام حسین (ع) ۱۵- تأویل آیه سجده ۱۶- گفتگوی ابلیس با خدا ۱۷- اسلام با شهادتین است ۱۸- انگیزه های عبادت و اقسام آن ۱۹- مسأله الامر بین الامرین ۲۰- مصادر حدیث شفاعت

خلاصه محتوای کتاب

قرآن از دیدگاه قرآن و حدیث

شایسته است انسان از سخن گفتن در بیان عظمت و فضیلت قرآن لب فرو بندد و آن را به متخصصین آن علوم که بنا بر حدیث معروف ثقلین، خاندان پیامبرند واگذار نماید.

احادیث زیادی در فضیلت قرآن در جلد ۱۹ بحار الانوار آمده است در حدیثی از حضرت علی (ع) آمده است که قرآن اخبار گذشته و آینده را در بر دارد و هر کسی که بخواهد قرآن را پشت سر اندازد خداوند کمر او را می شکند و مسلمانان با تمسک به قرآن راه حل روشن و عادلانه ای برای حل اختلافاتشان می یابند و در حدیث دیگری داریم که قرآن چراغ روشنی است که نور آن به خاموشی نمی گراید و راه راست و مستقیمی که رهروانش گمراه نمی گردند و بیان واضح روشنگری که اصول و برهانهای آن خلل ناپذیر می باشد. قرآن اساس و زیر بنای اسلام و محل پرورش و نمو حق و حقیقت است رموز و اسرار قرآن پایان ناپذیر بوده و دارای بطون و معانی مختلفی است که فکر انسان از درک کامل آن عاجز است.

فضیلت قرائت قرآن و ادب آن

احادیث و قرائت قرآن: احادیث زیادی از پیامبر و ائمه معصوم (ع) در فضیلت قرائت قرآن ذکر شده است مثلاً از حضرت امام صادق (ع) داریم (مرد مسلمانی کسی است که برنامه خود را مورد دقت قرار دهد و هرروز حداقل پنجاه آیه از آن را تلاوت کند)

قرائت از روی قرآن :

تعدادی از این احادیث تأکید بر خواندن قرآن بر روی مصحف دارند چرا که می تواند:

(۱) باعث تکثیر نسخه های قرآن شده و از فرسوده شدن آن جلوگیری کند (۲) شفای

دردهای چشم است (۳) باعث دقت بیشتر در نکات قرآن می شود

قرائت قرآن در خانه :

خواندن قرآن در خانه باعث می شود که اهل آن خانه به قرآن تشویق شده و برکت و

نعمت در آن خانه افزوده شود .

احادیث جعلی در فضیلت قرائت قرآن :

بسیاری از احادیث در بحث ثواب و پاداش خواندن قرآن جعلی می باشند بعضی از

این دروغ پردازان احادیث عبارتند از : ابو عصمت فرج بن ابی مریم مروزی و محمد

بن عکاشه کرمانی و احمد بن عبدالله جویباری

دقت و تدبیر در معانی قرآن

بسیار آمده است که قرآن را خوانده و در آن تدبر نمایید و مفاهیم و معانی آن را اجرا

کرده تا نهایتاً به مسیر روشن آخرت راهنمایی شوید .

اعجاز قرآن

شناخت معجزه ( معنی معجزه ) از دست رفتن چیزی - احساس عجز و ناتوانی در

دیگری - ایجاد عجز و درماندگی در طرف مقابل

شرایط معجزه

(۱) کسی که از طرف خداوند دارای منصبی باشد برای اثبات ادعای خود معجزه ای

دارد (۲) مقام شخص باید از نظر عقل برای بشر امکان پذیر باشد (۳) مقام شخص باید

از نظر شرع قابل قبول باشد (۴) عمل اعجاز گواه بر صدق مدعی باشند (۵) باید به

هیچیک از علوم و فنون تکیه نداشته باشد و قابل تعلیم و تربیت نیز باشد .

معجزه پشتوانة نبوت است .

لزوم معجزه : خداوند برای بشر تکالیف و قوانینی را مقرر داشته تا او را در مسیر تکامل راهنمایی کند و برای رساندن این تکالیف به مردم پیامبران را برگزیده است و لذا واضح است که این افراد با کمک داشتن معجزه می توانند خود را از مدعیان دروغین باز شناسند تا مردم بتوانند به راحتی حق را از باطل تشخیص دهند.

نقش اعجاز در اثبات نبوت  
چون اعجاز بر خلاف قوانین طبیعی است ، کسی جز افراد برگزیده از طرف خداوند قادر به چنین کاری نخواهد بود ، پس کسی که ادعای نبوت می کند و خداوند نیز از او پشتیبانی کند او را به سلاح معجزه آراسته خواهد کرد .

تناسب در اعجاز :

چون شناخت معجزه نیازمند داشتن تخصص و مهارت می باشد و هر کسی به راحتی نمی تواند معجزه را تشخیص دهد بنابراین خداوند متعال هر پیامبر را با معجزه ای مشابه با صنعت و فن آن زمان مفتخر کرده است و چون در زمان پیامبر بلاغت و صنعت شهر به اوج خود رسیده بود، خداوند پیامبر را به معجزه قرآن مفتخر کرد اما پیامبر غیر از معجزه قرآن معجزات دیگری چون « شق القمر ، حرف زدن سوسمار و تسبیح گفتن سنگریزه ها به فرمان وی » نیز مفتخر بود.

قرآن معجزه الهی است

پیامبر تمام جهانیان را به سوی اسلام دعوت می کند و با قرآن بر آنها حجت را تمام می کند و آنها را با تحدی با قرآن ابتدا با ده سوره و سپس با یک سوره فرا می خواند . ولی عرب آن زمان که در اوج فصاحت و بلاغت قرار داشت در برابر آن سر تعظیم فرود آورد و این عجز و درماندگی ، خود بزرگترین دلیل بر وحی بودن قرآن است .



قرآن معجزه جاویدان

یک شریعت و نبوت جاودانی نیاز به یک معجزه جاویدان دارد، زیرا اگر یک معجزه محدود به یک زمان باشد، مردم زمانهای دیگر در آن تردید خواهند داشت و قرآن بر تمام معجزات دیگر تفرق و برتری دارد و لذا می تواند در همه عصرها و زمانها بشر را هدایت و رهبری کند.

اعجاز قرآن از نظر معارف عقلی و فلسفی  
قرآن و پیامبر امی :

در بسیاری از آیات قرآن به صراحت آمده است که محمد (ص) امی و درس ناخوانده است و این خود را بزرگترین جنبه های اعجاز قرآن است. در قرآن مسأله توحید و نبوت مطرح می شود و در خداشناسی و توحید آنچنان خدا را توصیف و تعریف می کند که شایسته و لایق او است و این از یک فرد امی ساخته نیست و نیز با آوردن تاریخ زندگی پیامبران گذشته وارد عالم نبوت می شود و این نیز از کسی که از تاریخ خبری ندارد و با علوم زمانه آشنا نیست ساخته نمی باشد.

تطبیق و مقایسه توان با تورات و انجیل  
**توحید و نبوت در تورات و انجیل :** در کتاب قرآن خداوند تنزیه و تقدیس شده و پیامبران را به عالی ترین مقام انسانی اوج داده بر عکس در کتابهای تورات و انجیل به همان مقدار مقام الوهیت را تنزیل داده و هرگونه اعمال ناشایست را به پیامبران خدا نسبت می دهد پس از خواندن این کتابها متوجه می شویم که چگونه می شود پیامبر محتویات قرآن با آن سطح عالی را از چنین کتابهایی اقتباس کرده باشد.

اعجاز در هماهنگی قرآن : در کتب انجیل و تورات تناقضات زیادی دیده می شود ولی در قرآن چنین نیست ، اختلاف و تناقض میان آیات وجود ندارد گرچه بعضی از داستانها و روایات چندین مرتبه در قرآن ذکر شده و هر کدام نکته تازه ای دارد ولی هیچ کدام با هم منافات ندارد و جالب تر این که اینها در طی ۲۳ سال بر پیامبر نازل شده و راجع به تمام مسائل اعم از تاریخ و نجوم و قوانین جنگ و صلح و حیوانات و دریاها و ... و خلاصه از هر دری سخنی گفته است .

اعجاز قرآن در تشریح و قانونگذاری دوران قبل از قرآن : عرب قبل از اسلام بت پرست و دارای عقاید خرافی و وحشی بودند قمار بازی در بین آنها رواج داشت و عادت زشت ازدواج با همسران پدران و کشتن و زنده به گور کردن دختران در بین آنها عادی بود .

عصر قرآن : در این دوران توحید و یگانه پرستی جایگزین بت و بت پرستی شد و جهل و نادانی جای خود را به علم و دانش داد و اینهمه از اثر تعالیم عالیة قرآن مجید بود .

اعتدال در قرآن : یکی دیگر از جنبه های اعجاز قرآن ، اعتدال و میانه روی در قانونگذاری و دستورات اخلاقی است .

اعتدال در بخشش : قرآن از یک طرف صفت بخل را نکوهش و از طرف دیگر اسراف در زندگی را مذمت می کند

اعتدال در عفو و اعتدال : انسان را به تحمل و صبر و استقامت در برابر مشکلات از یک سو و از سوی دیگر فرمان مقاومت و باز ستاندن حق از ظالم و انتقام عادلانه از او را می دهد .

اعتدال در جنبه های مادی و معنوی : از یک طرف اصلاح امور این جهان و از طرف دیگر سعادت اخروی را مد نظر دارد . نه مانند تورات که فقط به زندگی مادی توجه کرده و نه مانند انجیل که فقط به آخرت پرداخته است بلکه در تعالیم خود گاهی انسان را به عالم آخرت و گاهی به امور زندگی این دنیا متوجه می کند .

اعتدال در اقتصاد : خرید و فروش را تجویز و ربا و فزونطلبی را تحریم کرده است

اعتدال در انتخاب همسر : او را به امر ازدواج سفارش کرده است

اعتدال در معاشرت : به انسان امر به خوشرفتاری به همسر داده از آن فراتر رفته ، نیکی و خوشرفتاری را نسبت به مسلمان و غیر مسلمان دستور داده است .

قانون نظارت عمومی در قرآن : قرآن امر به معروف و نهی از منکر را بر تمام افراد

امت واجب کرده و با این کار موجبات گسترش تعالیم اسلام را فراهم کرده است .

قانون برابری و ملاک برتری در قرآن از بزرگترین و عمیق ترین قوانین ، قانون مساوات و برابری است که قرآن با این ماده قانون هرگونه امتیاز و اختلاف نژادی و طبقاتی را از بین برده ، ملاک علم و تقوی را ملاک فضیلت قرار می دهد . مثلاً سلمان فارسی بیگانه را به خاطر ایمانش بر دیگران مقدم و ابولهب عموی پیامبر را به علت کفر و بی دینی عقب رانده است .

حقایق خلل ناپذیر در قرآن :  
قرآن مجید از موضوعات متنوع و زیادی بحث کرده است از آفرینش و رستخیز و روح فرشته گرفته تا آئین حکومت و زمامداری و حقوق خانواده و ارث و ازدواج و .. هر کتاب و علمی بعد از گذشت مدت زمانی نظریه هایش باطل و حقایق جدید آشکار می شود ، اما قرآن با گذشت زمان هیچ ایرادی بر آن مترتب نیست .

اخبار غیبی در قرآن : قرآن پیشگویی هایی در مورد جنگ بدر ، سرنوشت دشمنان پیامبر ، پیروزی اسلام بر تمام ادیان دیگر ، غلبه روم بر ایران و نابودی دشمن و سرنوشت ابولهب سخن گفته است .

اسرار آفرینش در قرآن : قرآن در آیات متعددی مسائل مربوط به قوانین آفرینش و عالم طبیعت و کرات آسمانی را در زمانی که راهی به سوی این مسائل نبوده مگر از راه وحی و غیب بیان داشته است .

قرآن مطالبی که قابل درک مردم آن زمان باشد را به طور وضوح و سایر مطالب را به طور اجمال و اشاره برای دوره های بعد مطرح کرده است مثلاً توازن و تناسب بین نباتات ، قانون تلقیح ، قانون زوجیت ، حرکت زمین ، قاره های ناشناخته و کرویت

زمین در قرآن آمده است و این دلیل بر وحی بودن قرآن و اینکه آوردن اینچنین کتابی از عهده و قدرت بشر خارج می باشد .

پندارهایی درباره اعجاز قرآن و پاسخ آنها  
اشکال ادبی در قرآن : قرآن تمام مخالفین خود را به تحدی دعوت کرد ولی عرب آن زمان که در اوج بلاغت و فصاحت بود زانوی عجز به زمین زد . اشکالی که بر قرآن گرفته این است که در قرآن جملاتی به کار رفته که با قواعد عربی سازش ندارد که به راحتی این اشکال قابل رد خواهد بود .  
فهم اعجاز قرآن همگانی نیست ، این اشکال دیگری است که بر قرآن گرفته اند که کلام شیوا و بلیغ نمی تواند معجزه باشد .

آیا قرآن قابل معارضه می باشد ؟ اشکال دیگر این است که می گویند اگر معجزه بودن قرآن را بپذیریم نمی توانیم منافات قصه های تورات و انجیل را که کتب آسمانی اند با قصه های قرآن بپذیریم .

عدم تناقض در قرآن : بیان می کند که در قرآن مطالب ضد و نقیض موجود است . مثلاً در مورد نشانه و علامت استجاب دعا حضرت زکریا مسأله سه روز و تناقض آن با سه شب بیان نموده اند و یا مورد دیگر اینکه می گویند قرآن گاهی افعال بندگان را به خود آنها نسبت می دهد ( اختیار ) و گاهی هم اختیار همه کارها را به دست خدا می سپارد ( جبر ) که هر دو اشکال با دلایل منطقی قابل رد کردن می باشد .

نقض در اعجاز قرآن : می گویند اگر قرآن معجزه می باشد کتاب اقلیدسی و مجسطی نیز معجزه خواهد بود .

علل انصراف از معارضه با قرآن : می گویند اینکه اعراب به مقام معارضه با قرآن بر نیامده اند به علل و عوامل گوناگونی مربوط می شود از جمله ترسی از نیرو و قدرت مسلمانان

تناسب تدوین قرآن با اعجاز قرآن  
می گویند وقتی ابوبکر می خواست قرآن را جمع آوری کند به عمر و زید دستور داد که در کنار در معبد نشسته و بر اساس شهادت افراد بر قرآن بودن مطالب آن را نوشته و بدین صورت قرآن را جمع آوری کنند و این مبنا و اساس جمع آوری ، معجزه بودن قرآن را زیر سؤال می برد.

تفاوت روش بیان قرآن با روش سخن سرایان :  
می گویند قرآن با روشهای معروف فصحا و سخنسرایان تضاد دارند زیرا قرآن موضوعات متعددی را با همدیگر مخلوط کرده و از هر دری سخنی به میان آورده است و اگر قرآن دارای فصول مرتب بود فایده اش بیشتر و بهره برداری از آن آسانتر بود .

معارضه با قرآن :  
آخرین اشکال در اعجاز قرآن را صاحب کتاب حسن الایجاز مطرح کرده و می گوید می تواند با قرآن معارضه به مثل کند و مانند آن را بیاورد مثلاً معارضه با سوره فاتحه و کوثر آورده است ولی نه تنها از اعجاز قرآن کاسته نشده بلکه بر بلاغت و اعجاز قرآن افزوده گشته است .

معجزات دیگر پیامبر اسلام و معجزات پیامبران  
گذشته

بررسی نخستین آیه نفی اعجاز : گرچه بزرگترین معجزه پیامبر اسلام و مهمتر از  
معجزاتی که تاکنون تمام پیامبران آورده اند ، قرآن می باشد ولی رسول خدا (ص) در  
معجزات پیامبران گذشته شریک بوده و آنها را آورده است و این مسأله بر اساس برهان  
اخبار متواتر که شامل نزدیکی زمان و تواتر و کثرت نقل و اقتضای افضلیت می باشد  
ثابت می شود . معجزاتی که مشرکان از پیامبر خدا در خواست می نمودند در سه گروه  
بیان می شود : ۱- معجزات اقتراحی (درخواست ایذا و مسخره ) ۲- معجزات تخفیفی  
( معجزاتی که اگر انکار شود موجب عذاب دنیوی می شود ) ۳- معجزات اقتداحی و  
بهانه جویی (معجزات ممنوعه و غیر عملی )

دومین آیه نفی اعجاز : سوره ۱۷ آیات ۹۰ تا ۹۳ می باشد که در آن شش موضوع  
مطرح شده است که وقوع سه مورد از آنها عقلاً محال و غیر ممکن می باشد مثلاً فرود  
آمدن آسمانها، آوردن خدا و آوردن نامه ای از خدا و سه مورد دیگر آن ممکن ولی غیر  
عقلانی است مثل چشمه زدن و قنات جاری ساختن ، مالک بودن باغی پر درخت و  
دارای نهرها و قناتها و داشتن خانه ای از طلا

سومین آیه نفی اعجاز : آیه ۲۰ سوره ۱۰ می باشد از این آیه چنین بر می آید که  
مشرکین معجزه هایی مخصوصی را از پیامبر درخواست می نمودند که هیچگونه پایه  
صحیح و عقلانی نداشت به طور کلی آنچه از این آیات که ظاهراً نفی معجزات می کند  
، بدست می آید این است که : (۱) تحدی و مبارزه طلبی پیامبر برای عموم افراد بشر از  
میان معجزاتش بوسیله قرآن که معجزه جاودانی و جهانی است انجام یافته است. (۲)

آوردن معجزه در اختیار پیامبر نیست و او فقط سمت رسالت را دارد و معجزه تابع اذن و فرمان خدا است .

نبوت پیامبر اسلام در تورات و انجیل :  
قرآن مجید در موارد متعدد صریحاً می گوید که حضرت موسی و عیسی (ع) در تورات و انجیل از ظهور پیامبر اسلام (ص) خبر و بشارت داده اند . بنابراین کسانی که به این دو پیامبر ایمان دارند بدون اینکه نیازی به معجزه داشته باشند باید به پیامبر اسلام نیز ایمان آورند.

قرآن و قرائت‌های هفت گانه  
عدم تواتر قرائت‌های هفتگانه : عده ای از دانشمندان اهل سنت معتقدند که همه قرائت‌های هفتگانه به طور تواتر به خود رسول خدا می رسد که پیامبر اسلام قرآن را با این قرائت‌های هفتگانه می خوانده است .<sup>۱</sup>

بعضی دیگر پا را فراتر نهاده اند و خیال کرده اند که هر کس این قرائت‌های هفتگانه را متواتر نداند کفر ورزیده و عقیده او مخالف با اسلام است . ولی عقیده معروف در میان شیعه این است که این قرائت‌ها به طور متواتر نقل شده است و انتساب آنها به پیامبر قطعی نیست بلکه بعضی از قرائت‌ها یک نوع اجتهاد از طرف قاریان بوده و پاره دیگر هم به صورت خبر واحد از پیامبر اسلام نقل شده است

تمام مسلمانان با وجود اختلافات زیاد فکری و عقیدتی در این مطلب اتفاق نظر دارند که راه ثابت شدن قرآن منحصر به تواتر است و قرآن مجید تنها از راه تواتر و نقل‌های فراوان و یقین آرا ثابت شده است و راه دومی هم ندارد مسأله بعدی که می تواند در

۱- مناهل العرفان



بحث عدم تواتر قرائت روشنگر باشد آشنا بودن با خود قاریان و چگونگی نقل و ناقلان آنها است و قاریان مشهور هفت نفرند که شرح حال مختصر آنها را می آوریم .

(۱) **عبدالله بن عامر دمشقی** : کنیه اش ابو عمران و ملقب به یحصبی است . وی قرن را از مغیره بن ابی شهاب فرا گرفته است او در سال هشتم هجری متولد و در سال ۱۱۸ در گذشته است قرائت او را هشام و ابن ذکوان با چند واسطه نقل نموده اند.

(۲) **ابن کثیر مکی** : نام او عبدالله فرزند کثیر بن عبدالله بن زاذان بن فیروزان بن هرمز است از اهالی مکه و از قبیله دار بوده و اصالت او ایرانی است او قرائت را در پیش عبدالله بن مسائل فرا گرفته است و بنا به اقوالی از فراد دیگری چون عبدالله بن سائب و مجاهد فرا گرفته است . او در سال ۴۵ در مکه متولد و در سال ۱۲۰ وفات یافت قرائت ابن کثیر را بزی و قنبل به چند واسطه نقل نموده اند .

(۳) **عاصم بن بهدله کوفی** : ابوبکر عاصم فرزند ابی النجود اسدی و از آزادشدگان خاندان اسد و اهل کوفه است . او قرائت را به زر بن حبیش و ابو عبدالرحمن سلمی و ابو عمرو شیبانی عرضه نموده و از آنان فرا گرفته است . عاصم در آخر عمرش قوه تمیز را از دست داده و در سال ۱۲۷ یا ۱۲۸ از دنیا رفت . قرائت او را حفص و ابوبکر بدون واسطه از او نقل نمودند.

(۴) **ابوبکر عمر بصری** : نام او زیان فرزند علاء بن عمار مازنی و از اهالی بصره است و بنابر عقیده بعضی از رجال شناسان وی اصلاً ایرانی بوده است او و پدرش از ترس حجاج به حجاز فرار نموده اند . قرائت او را در مکه و مدینه فرا گرفت در کوفه و بصره نیز از افراد زیادی قرائت آموخت بطوری که در میان همه قاریان هفتگانه از نظر تخصص کسی به او نمی رسد در سال ۶۸ متولد گردید و در سال ۱۵۴ وفات نمود.

قرائت ابو عمر را دوری و سوسی به واسطه یحیی بن مبارک نقل نموده اند .

۵) حمزه کوفی : حمزه فرزند حبیب بن عماره بن اسماعیل است کنیه اش ابو عماره از قبیله تمیم و اهل کوفه می باشد قرائت را بر سلیمان بن اعمش و حران بن اعین عرضه داشته و از آنان فرا گرفته است او در سال ۸۰ متولد و در سال ۱۵۶ وفات یافته است راویان حمزه ، خلف بن هشام و خلاد بن خالد که قرائت را با واسطه از او نقل نموده اند.

۶) نام مدنی : نام وی نافع فرزند عبدالله بن ابی نعیم است. نافع یکی از قاریان و دانشمندان هفتگانه مورد اعتماد و صالح و اصالتش اصفهانی است قرائت را به عده‌ای از تابعین اهل مدینه عرضه داشه و از آنها فرا گرفته است وفات او در سال ۱۶۹ می‌باشد . قرائت ناضم را قالون و روش بدون واسطه نقل نموده اند .

۷) کسائی کوفی : نام وی علی مشهور به کسائی فرزند حمزه بن عبدالله بهمن بن فیروز از قبیله اسد و آزاد کرده آنان بود و اجداد او ایرانی است . کسائی پیشوای قرائت است که ریاست علم قرائت در کوفه بعد از حمزه زیارت بدو محول شد او قرائت را از حمزه اخذ نمود بدینصورت که چهار بار قرائت خویش را بر وی عرضه کرد و در قرائت تنها به او اعتماد می نمود. قرائت کسائی را لیث بن خالد و حفص بن عمر بدون واسطه نقل نموده اند.

اما سه تن دیگر از قاریان رانیز معرفی می کنیم :

(۱) **خلف بن هشام**: کنیه اش ابو محمد از قبیلهٔ اسد و فرزند هشام بن ثعلب و اهل بغداد است او در سال ۱۵۰ متولد و در سال ۲۲۹ وفات نمود در قرائت روش حمزه را پیش گرفت و راویان قرائت وی اسحاق و ادریس می باشد .

(۲) **یعقوب بن اسحاق** : نام او یعقوب فرزند اسحاق و کنیه اش ابو محمد است آزاد شدهٔ قبیله حضر و اهل بصره می باشد او در سن ۸۸ سالگی در سال ۲۰۵ وفات نموده است قرائت او را رو پس و روح نقل کرده اند .

(۳) **یزید بن قعقاع** : کنیه وی ابو جعفر و از طایفهٔ مخضوم و اهل مدینه می باشد . قرائت خویش را بر عبدالله بن عیاس بن ابی اربیع و عبدالله بن عباس و ابو هریره عرضه نموده و از آنان فرا گرفته است در سال ۱۳۰ در مدینه درگذشت. قرائت او را عیسی و ابن جماز نقل نموده اند.

**قرائتهای هفتگانه قرآن**  
**عدم تواتر قرائتهای هفتگانه** : بررسی شرح حال راویان قرائات موجب قطع و یقین می گردد که این قرائتها برای ما به صورت خبر واحد نقل گردیده نه بصورت تواتر و عده ای از بزرگان و دانشمندان و پیروان آنان بر صحت قرائات خود دلیل می آورند دلیل دیگری براین مسأله می باشد دانشمندان زیادی از جمله ابن جزری ، ابوشامه در کتاب المرشد الوجیز و البسمله ، شیوطی در کتاب الاتقان ، شیخ محمد سعید عریان بر عدم تواتر قرائتها تصریح کرده اند .

بررسی نظریه تواتر قرائتها :  
کسانی که به متواتر بودن قرائتهای هفتگانه معتقدند برای اثبات نظریه خویش دلایلی را به شرح زیر بیان می کنند: متواتر بودن قرائتها اجماعی است و اهمیت خاصی که اصحاب پیامبر و مسلمانان قرون اول و دوم نسبت به قرآن قائل بودند مستلزم آن است که همه قرائتها متواتر باشد و اگر قرائتهای هفتگانه متواتر نباشد خود قرآن نیز متواتر نیست ولی همه این مسایل و دلایل باعث نمی شود که تواتر قرائتهای هفتگانه را بپذیریم و قطعاً تواتر قرآن مستلزم تواتر قرائات نیست .  
بعضی از علما نیز از جمله زرقانی در مناهل العرفان و زرکشی در برهان به این حقیقت اعتراف کرده اند .

قرائتهای هفتگانه غیر از وجوه هفتگانه است :  
گاهی تصور شده است که حروف و وجوه هفتگانه ای که قرآن بر طبق آنان نازل گردیده چیزی جز قرائتهای هفتگانه نیست . آنگاه برای اثبات این مطلب که قرائتهای هفت گانه جزء قرآن است به احادیث ، حروف یا وجوه هفتگانه تمسک می کنند اگر فرضاً همه این روایتها را صحیح بدانیم باز مربوط به قرائتهای هفتگانه یکی نمی دانند چیز ابری می گوید قرائتهای هفتگانه را انتخاب نموده کاری بس نابجا و ناشایست انجام داده زیرا افراد کم اطلاع تصور می کنند که این هفت قرائت همان حروف و وجوه هفتگانه است . بعضی از دانشمندان علم قرائت نیز نام بیش از هفتاد قاری را آورده اند که بعضی از آنان از نظر مقام علمی بالاتر از این هفت نفر می باشند. آنچه این افراد را به اشتباه انداخته این است که جمله معروف قرآن با هفت حرف نازل گردیده به گوش آنان خورده و از طرف دیگر قرائات هفتگانه را شنیده اند آنگاه خیال

کرده اند که این حروف هفتگانه همان قرائتهای هفتگانه است بنابراین کاملاً واضح می شود که قرائتهای هفتگانه از پیامبر اسلام و از خود قاریان به طور متواتر نقل گردیده است . بنابراین قرائتهای معروف یا به طور خبر واحد نقل گردیده یا اجتهادی بوده که به وسیله خود قاریان به دست آمده است .

در پیرامون حجیت قرائتها :

آیا می توان با قرائتهای هفتگانه در احکام شرعی استدلال نمود؟

عده ای از علماء همه قرائتها را پذیرفته اند و با هریک از این قرائتها به احکام شرعی استدلال می کنند ولی واقعیت این است که نمی توان در صورت اختلاف طبق یکی از آنها به یک حکم شرعی استدلال نمود بعضی نیز می گویند این قرائتها گرچه متواتر نیستند ولی به هر صورت از پیامبر نقل گردده ، حداقل از اقسام خبر واحد می باشند بنابراین عمل نمودن بر طبق این قرائتها پیروی نمودن از دلیل شرعی است .

در پاسخ باید گفت اولاً روایت بودن قرائتها ثابت نیست تا دلایل اثبات حجیت خبر واحد حجیت آنها رانیز ثابت نماید. ثانیاً دلایل حجیت خبر واحدی که راوی آن مورد اعتماد است نمی تواند شامل روایت قاریان و راویان قرائتها شود و ثالثاً اگر فرض کنیم که تمام قرائتها بر پایه روایت استوار است نه بر پایه اجتهاد و اظهار نظر باز حجیت و مدرکیت آنها ثابت نمی شود زیرا ما علم اجمالی داریم که پاره ای از این قرائتها قطعاً از پیامبر صادر نشده است .

آیا می شود بار هریک از قرائتهای هفتگانه نماز خواند ؟

گروه کثیری از علمای شیعی و سنی معتقدند که نماز خواندن با هریک از قرائتهای هفتگانه بلکه ده گانه جایز و صحیح می باشد و ائمه معصومین نیز خواندن نماز را با

هریک از قرائتهای معروف آن زمان تأیید می نمودند بنابراین نتیجه می گیریم که می توان نماز را با هر قرائتی به جای آورد ولی با این شرط که آن قرائت شاذ و غیر معروف و یا جعلی و ساختگی نباشد .

حروف هفتگانه قرآن :

در روایاتی از اهل سنت آمده است که قرآن با هفت حرف نازل شده است این روایات را طبری از یونسی و ابی کریب و مسلم از حرمله و بخاری از ابی کریب با اسنادش از عبدالرحمن ابن ابی لیلی و از سلیمان بن سرد و از عبدالرحمن بن ابی بکره و از احمد بن منصور و از محمد بن مثنی و از عمر و بن عثمان عثمانی و از عبید بن اسباط و سعید بن یحیی و قرطبی از تناقض محسوس مشاهده می شود که از جهات مختلف با یکدیگر مخالف هستند و جوابها با سئوالها تناسب ندارند و از ائمه معصومین مثل امام باقر و امام صادق (ع) رسیده است که قرآن یکی است و با یک طریق و روش خوانده می شود و همچنین نازل شدن قرآن با حروف هفتگانه مفهوم و معنی معقول و محصلی ندارد.

معانی تأویلات حروف هفتگانه قرآن :

برای حروف هفتگانه وجوه و تأویلات زیادی گفته شده که مهمترین آنها عبارتند از :

اول کلمات مترادف :

منظور از حروف هفتگانه الفاظ و کلمات هفتگانه ای است که از نظر معنی مترادف و با یکدیگر هم معنی و یا نزدیک به هم می باشند مانند ( عجل و اسرع و اسع ) که هر سه کلمه تقریباً به معنی تعجیل و شتاب هستند . افرادی که این نظریه را بیان کرده اند از جمله طبری و انس می گویند که می توان بعضی کلمات هفتگانه را به بعض دیگر

و به جای یکدیگر به کار برد اما این کار امکان پذیر نیست. زیرا اولاً در پاره ای از آیات و کلمات قرآن درست است و در اکثر آیات الفاظ مترادف ندارند ثانیاً این عمل اساس و شالوده قرآن را که معجزه همیشگی است را در هم می ریزد. ثالثاً چگونه می توان گفت که پیامبر از خدا چیزی درخواست کند که وسیله اختلاف و فساد در میان امت باشد این اختلاف در قرائتها در زمان عثمان ظاهر گردید.

### نظریه دوم :

در معنی و تفسیر حروف هفتگانه این است که منظور از آنها ابواب و فصول هفتگانه ای است که آیات قرآن بر آن فصلها تقسیم می شوند و عبارتند از آیات زجر، آیات امر، آیات حلال، آیات حرام، آیات محکم، آیات متشابه، آیات امثال.

این نظریه نیز از چند جهت باطل است زیرا حروف هفتگانه را غیر از ابواب و فصول هفتگانه در نظر گرفته و با توجه به اینکه زجر و حرام هر دو به یک معنی می باشند هفت فصل به شش فصل تقلیل یافته علاوه بر آن در قرآن موضوعات مهم دیگری چون مبدأ و معاد و قصص و ... در این ابواب هفتگانه موجود نمی باشد.

### نظریه سوم :

فصول هفتگانه را امر، زجر، ترغیب و ترهیب، مناظرات دینی، قصه ها و مثلها گفته اند که این نظریه نیز با دلایل نظریه قبل رد می شود

### نظریه چهارم :

می گویند منظور از حروف هفتگانه همان لغتهای فصیح عرب است که در تمام قرآن پخش شده و هر قسمتی از قرآن با لغت یکی از قبائل فصیح هفتگانه عرب، قریش،

هذیل ، هوازن ، یمن ، کنانه ، تمیم ، ثقیف ، نازل شده است این نظریه نیز از جهاتی  
مردود می باشد .

#### نظریه پنجم:

عده ای نیز می گویند منظور از حروف هفتگانه تنها لغات هفتگانه ای است که تیره های  
مختلف و هفتگانه قبیله مضر با آنها تکلم می کردند و آنها عبارتند از قریش ، اسد ،  
کنانه ، هذیل ، تمیم ، ضبه ، قیس .

#### نظریه ششم:

منظور از حروف هفتگانه همان قرائتهای هفتگانه می باشد ولی این نظریه نیز مردود  
می باشد زیرا اکثر آیات قران در میان تمام قاریان مورد اتفاق بوده و کوچکترین  
اختلافی در قرائت آنها نبوده است .

#### نظریه هفتم:

منظور از حروف هفتگانه همان وجوه اختلاف در قرائات است  
می گویند اختلاف هر کلمه نمی تواند خارج از جهات هفتگانه زیر باشد  
۱- اختلاف در اسماء از نظر مفرد و تثنیه و جمع و مؤنث و مذکر ۲- اختلاف در  
افعال از نظر ماضی و مضارع و امر ۳- اختلاف از نظر اعراب و حرکات ۴- اختلاف  
از نظر زیاده و نقصان ۵- اختلاف از نظر تقدیم و تأخیر ۶- اختلاف به وسیله تبدیل و  
تغییر کلمات ۷- پیدایش اختلاف لغات و لهجه های مختلف  
یکی از ایرادات بر این نظریه می تواند این باشد که اختلاف در اسماء و افعال که دو  
نوع محسوب شده است هر دو از یک باب یعنی اختلاف در هیأت است .



### نظریه هشتم :

طرفداران این نظریه می گویند هدف روایات از حروف هفتگانه معیناً عدد هفت نیست بلکه منظور کثرت در مرتبهٔ آحاد و یکان است. در این نظریه هدف و منظور از حروف هفتگانه مشخص نشده و معنایی برای این حروف گفته نشده و بر خلاف ظاهر روایات نمی توان عدد هفت را به کثرت در آحاد حمل نمود.

### نظریه نهم :

منظور از این حروف هفتگانه همان قرائتهای هفتگانه می باشد که اگر منظور از این هفت قرائت همان قرائتهای هفتگانه معروف است قبلاً این نظریه رد شد.

### نظریه دهم :

منظور از این حروف هفتگانه لهجه های مختلف می باشد که ممکن است در یک لفظ وجود داشته باشد اما این نظریه نیز با این که بهترین اقوال و نظریه ها می باشد به دلایلی درست به نظر نمی رسد. خلاصه آنکه نزول قرآن با حروف هفتگانه معنی و مفهوم صحیحی ندارد و قرآن با یک حرف و یک روش نازل شده و اختلافات در قرائات قرآن را به خود راویان و قاریان قرآن مستند ساخت.

### بحثی پیرامون تحریف قرآن

**تحریف چیست؟ لغت تحریف به چند معنی استعمال می شود. ۱- تحریف در معنی :**  
اگر چیزی یا کلمه ای از مورد خود تغییر داده شود و در غیر مورد و معنی واقعی اش استعمال شود نوعی تحریف محسوب می شود. ۲- تحریف در حروف و حرکات:  
بعضی از کلمه های قرآن تغییر داده شود به طوری که معنی آن هیچگونه تغییری پیدا نکند یک نوع تحریف محسوب می شود. ۳- تحریف در کلمات قرآن : اگر کلمه یا

کلماتی از قرآن برداشته شود یا بر آن افزوده شود به طوری که حقیقت قرآن تغییر نکرده و محفوظ بماند نوعی تحریف است. ۴- تحریف در آیات: اگر آیه یا سوره‌های از قرآن کم یا اضافه شود ولی این زیادت و نقصان تغییری در حقیقت قرآن بوجود نیاورد تحریف گویند. ۵- تحریف یا زیاد کردن: اگر زیادتی در قرآن به وجود آید به طوری که حقیقت، ماهیت و واقعیت قرآن را تغییر دهد تحریف گویند. ۶- تحریف با کم نمودن: اگر قسمتی از قرآن در موقع تدوین یا در دورانهای بعد از بین رفته باشد این نیز نوعی تحریف محسوب می شود ولی معروف و مشهور چنین است که این تحریف هرگز رخ نداده است. دانشمندان زیادی از جمله طبرسی، شیخ الفقها، علامه شهشهانی، محسن فیض، شیخ بهایی، قاضی نور الله شوشتری و دانشمندان دیگر، تحریف به معنی تنقیص در قرآن را نمی پذیرند.

**نسخ تلاوت در قرآن:** اکثر علمای اهل سنت معتقدند که بخشی از آیات در قرآن ضبط نشده و از قرائت ساقط شده است و اینگونه آیات را نسخ شده می نامند. پذیرفتن روایاتی که دلالت بر نسخ تلاوت می کنند مستلزم پذیرفتن مسأله تحریف است. هر کس به این معنی معتقد باشد در واقع به تحریف قرآن معتقد است بنا به این اکثر علمای اهل سنت که به نسخ تلاوت معتقدند بدون توجه مسأله تحریف را پذیرفته اند ولی بسیاری از آنها خود را از این عقیده تبرئه کرده اند و با کمال تعجب این تحریف را به علما و دانشمندان شیعه نسبت می دهند.

**مسأله تحریف از نظر قرآن:** تحریف به معنی تنقیص و اسقاط قسمتی از آیات اصلاً راهی به قرآن ندارد و تحریف بدین معنی از نظر قرآن مردود است

«انا نحن نزلنا الذكر و انا له لحافظون» ما قرآن را فرو فرستادیم و به یقین آن را حفظ خواهیم کرد<sup>۱</sup>

تحریف از نظر سنت و احادیث :  
اولین دلیل بر عدم تحریف قرآن آیات خود قرآن بود که بخشی از آیات قرآن به مصونیت قرآن از تحریف دلالت دارد .

دومین دلیل بر عدم تحریف روایات و اخبار ثقلین است که از رسول خدا نقل شده است . روایت ثقلین بر اقتران و هم دوش بودن عترت و کتاب و بر بقای آن دو تا روز رستاخیز دلالت دارد.

به دو طریق می توان بر عدم تحریف قرآن استدلال کرد استدلال اول این است که اگر بخواهیم بگوییم که قرآن تحریف نشده است ، پس امت اسلامی نمی توانند به قرآن تمسک جویند در حالی که بر طبق اخبار ثقلین تمسک به قرآن تا روز قیامت باقی است پس بر ما یقین حاصل می شود که قول به تحریف باطل است اما استدلال دوم اینکه اعتقاد به تحریف قرآن موجب سقوط قرآن از مدرکیت است یعنی باید به امامان تمسک جست و اگر آنها قرآن را تأیید کردند قرآن صحیح است در حالی که این اشتباه است چون قرآن «ثقل اکبر» و اهل بیت نیز «ثقل اصغر» است پس چگونه ممکن است که قرآن را از حجیت استقلالی بیندازیم و حجت بودن آن را به اهل بیت متوقف سازیم؟!

سومین دلیل بر عدم تحریف قرآن این است که پیشوایان ما به ما تعلیم داده اند که در فرائض و نمازهای واجب در رکعت اول و دوم بعد از سوره حمد یکی از سوره های

<sup>۱</sup> - سوره ۱۵ آیه ۹

قرآن را بخوانیم . این ادعا احتمال تحریف در سوره های قرآن را از بین می برد زیرا این حکم از زمان خود رسول خدا (ص) بوده و بعد از ایشان هیچ حکمی نسخ نگردیده است .

**چهارمین دلیل بر عدل تحریف قرآن:** مدعیان تحریف ، ابوبکر و عمر و عثمان را عامل تحریف می دانند که این احتمالات باطل و بی اساس است احتمال تحریف از ناحیه شیخین به سه صورت مطرح می شود ۱- تحریف غیر عمدی و اضطراری ۲- تحریف عمدی در آیات مربوط به موضوع حکومت و زعامت ۳- تحریف عمدی در آیات دیگر.

اما با توجه به اینکه قرآن در زمان رسول خدا جمع آوری شده است و ایشان به قرائت و تلاوت آن تأکید داشتند و با توجه به حدیث ثقلین که پیامبر خدا فرمودند ، من کتاب خدا و عترتم را در میان شما به امانت می گذارم تأکید دیگری است به اینکه قرآن در مان پیامبر (ص) جمع آوری شده است . از طرف دیگر مسلمانان توجه و اهمیت خاصی به قرآن نشان می دادند لذا بحث تحریف غیر عمدی و اضطراری بی اساس می باشد اما تحریف عمدی در آیات مربوط به حکومت نیز با توجه به اینکه اولاً انگیزه‌ی برای این کار وجود نداشت و ثانیاً موقعیت اسلام و مسلمانان در دوران حکومت ابوبکر و عمر نشان می دهد که کسی نمی توانست دستبردی به قرآن بزند و اینکه امیر مؤمنان علی (ع) و همسرشان حضرت زهرا (س) احقاق حق می کردند این نوع تحریفات نیز در قرآن واقع نشده است اما اینکه عثمان قرآن را تحریف کرده باشد نیز به دلایل زیر باطل است زیرا در دوران خلافت عثمان ، اسلام توسعه یافته و نیرو گرفته بود و انگیزه ای برای این کار وجود نداشت و بر فرض تحریف قرآن بوسیله

عثمان ، امیر مؤمنان (ع) پس از وی قرآن را به حالت اول (تحریف نشده) بر می گرداندند.

عده ای می گویند که پس از حکومت خلفای سه گانه قرآن تحریف شده است اینان این تحریف را به حجاج ابن یوسف نسبت می دهند که با توجه به اینکه امکان جمع آوری همه قرآن‌ها و سپس تحریف در آنها ممکن نبود و ثانیاً معاویه که قدرت و نفوذ بیشتری داشت راحت تر می توانست این کار را انجام دهد این نظریه نیز باطل می باشد.

دلایل طرفداران تحریف

۱- طرفداران تحریف قرآن می گویند همانگونه که تورات و انجیل تحریف شده

است تحریف در قرآن نیز وجود دارد این دلیل از چند جهت مردود است . اولاً اینکه اخبار این دلیل خبر واحد است نه متواتر و در هیچکدام از کتابهای معتبر شیعه (کتب اربعه) نیامده است . ثانیاً در تورات و انجیل زیادت است ولی در قرآن زیادت نیست . ثالثاً حوادث زیادی در امتهای گذشته اتفاق افتاده است که در این مدت به وقوع پیوسته مثل گوساله پرستی ، غرق شدن فرعون و پیروانش ، ولادت عیسی بدون داشتن پدر و غیره .

بنابراین تحریف در میان ملت اسلام نیز با حفظ الفاظ و ظواهر قرآن به وقوع پیوسته است که مخالف حقایق قرآن عمل می شود که خود نوعی تحریف است . ۲- دلیل دوم طرفداران تحریف قرآن این است که می گویند روایاتی است که امیر مؤمنان علی (ع) قرآنی غیر از این قرآن حاضر داشت و آن دارای مطلبی که در قرآن فعلی نیست و آن حضرت آن قرآن را به مردم ارائه نمود ولی آن را قبول نکردند و این نوعی تحریف

است . ۳- دلیل سوم اینکه می گویند روایات متواتر از اهل بیت (ع) نقل شده که همه بر تحریف قرآن دلالت دارند که در پاسخ می گوئیم اولاً تحریف آنها غیر از تحریفی است که مورد بحث و گفتگوی ما است و ثانیاً اکثر روایات از نظر سند غیر قابل اعتماد می باشند . ۴- دلیل چهارم آنان اینکه می گویند جمع آوری قرآن به گونه ای بود که به طور عادی تحریف به دنبال داشت مثلاً قرآن به دستور ابوبکر و توسط عمر و زیدبن ثابت جمع آوری شد چون تعداد زیادی از حافظان قرآن کشته شده بودند و این نوع جمع آوری صحیح نمی باشد .

پاسخ روایات جمع آوری قرآن :

گفتیم که عده ای از روایات جمع آوری قرآن سوءاستفاده کرده و آنها را دلیل بر تحریف قرآن گرفته اند ولی هیچ یک از این روایات بنا به دلایل زیر صحیح به نظر نمی رسد . اولاً وجود تناقض و تضادهایی که در میان آنها به چشم می خورد موجب سلب اعتماد از آنها می شود و تعارض روایاتی است که جمع آوری قرآن را به دوران بعد از رسول خدا مستند می سازد با مفهوم روایات دیگری که جمع آوری قرآن را در زمان خود پیامبر می دانند همچنین روایت تدوین قرآن با مضمون بعضی از آیات قرآن مخالف و معارض است و نیز اینکه مسلمانان در دو مسأله اتفاق نظر و اجماع دارند اینکه قرآن از راه تواتر و نقلهای پیایی و یقین آور ثابت می شود و زیادتی به قرآن راه نیافته است که روایت تدوین با آنها تضاد و منافات دارد . لذا با توجه به مسائل گفته شده کاملاً واضح است که داستان تحریف قرآن بی اساس و سخن گزاف است و شخص عاقل این داستانها را قبول نمی کند.

دلایل حجیت ظواهر قرآن :

مبنا قرار دادن معنای ظاهری قرآن را حجیت ظواهر قرآن می نامند ظواهر قرآن حجیت و مدرکیت دارد و دلایل فراوانی از جمله اینکه قرآن کتاب مردم و دلیل نبوت و بزرگترین مرجع مسلمانها و معیار شناخت روایات و استدلال ائمه با ظاهر قرآن می باشد .

دلایل عدم حجیت ظواهر قرآن :

گروهی از دانشمندان و علمای حدیث نظریه حجیت قرآن را با دلایل اینکه فهمیدن قرآن اختصاصی است و نباید قرآن را به دلخواه تفسیر کرد و معنای آیات قرآن عمیق و ریشه دار است و اینکه از آیات متشابه نمی توان پیروی کرد و قرآن تحریف شده و این تحریف ظواهر الفاظ را از حجیت و اعتبار انداخته است، انکار می کنند که همه این دلایل با پاسخهای قانع کننده رد می شوند و از درجه اعتبار ساقط می شوند.

نسخ در قرآن :

در لغت به معنی نوشتن چیزی از روی نوشته دیگر است و همچنین به معنی نقل و تغییر دادن و از بین بردن می باشد و در اصطلاح خاص علماء و دانشمندان دینی به معنی تغییر یافتن حکم چپی یا سپری شدن وقت و دوران آن حکم است .

نسخ در احکام :

نسخ در احکام به معنای این است که حکمی یک حکم دیگر را نسخ کند و از بین ببرد و این نسخ محال نیست بلکه ممکن است که حکمی از احکام الهی که در مرحله تشریح و قانونگذاری تعیین شده بود برداشته شود و تغییر پیدا کند و حکم دیگری جایگزین آن شود یهودیان و مسیحیان نسخ در احکام خدا راه محال می دانند.

نسخ در اسلام و قرآن در سه مرحله بررسی می شود ، نسخ در تلاوت نه در حکم ، نسخ در تلاوت و حکم ، نسخ در حکم نه در تلاوت . به این ترتیب که حکمی که به وسیله قرآن ثابت شده است بوسیله سنت قطعی و حدیثهای متواتر یا اجماع از عقیده معصوم نسخ شود یا بوسیله آیه دیگری که ناظر بر آیه منسوخ بوده و حکم آنرا بیان می سازد نسخ گردد یا با اختلاف و تضادی در مفهوم آیه دیگر با این حکم نسخ گردد که این نوع نسخ اخیر در قرآن وجود ندارد. در ادامه فصل تک تک آیاتی را که وجود نسخ در آنها ادعا گردیده است مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت که آیات مورد نظر به شرح زیر می باشد : آیه عفو اهل کتاب ، آیه قبله ، آیه قصاص ، آیه وصیت ، آیه صیام ، آیه فدیة ، آیه جهاد ، آیه تحریم جنگ در ماه های حرام ، آیه ازدواج زنان اهل ایمان ، آیه آزادی در عقیده ، آیه اتیان فاحشه ، آیه حلیت زنان ، آیه متعه ، آیه ارث ، آیه سکر ، آیه مصونیت کفار ، آیه قضا و شهادت ، آیه حصاد ، آیه لحوم ، آیه تحریم فرار از جهاد ، آیه صلح ، آیه استقامت در جنگ ، آیه تهدید ، آیه استیذان ، آیه تخلف از جنگ ، آیه صبر و شکیبایی ، آیه صفح ، آیه اباحه خمر ، آیه ازدواج ، آیه اغماض ، آیه اسیران جنگی ، آیه حق سائل ، آیه نجوی و آیه فیل .

از میان آیات بیان شده نسخ در آیه تخلف از جنگ را شرح خواهیم داد



« ما كان لاهل المدينة و من حولهم من الاعراب ان يتخلفوا عن رسول الله و لا  
يرغبو بانفسهم عن نفسه » (۱۲۰/۹)

( سزاوار نیست که اهل مدینه و بادیه نشینیانی که اطراف آنها هستند، از رسول خدا  
تخلف جویند و برای حفظ جانن از جان او چشم بپوشند.)

ابن زید می گوید که این آیه با آیه « و ما كان المؤمنون ... » نسخ شده است<sup>۱</sup>  
چون در آیه اول تخلف از جنگ نکوهش شده و در آیه دوم اجازه داده شده که عده‌ای  
در جنگ شرکت کنند ولی نظر مؤلف این است که آن را رد می کند و نسخ را باطل  
می داند و می گوید که رفتن به جبهه و جنگ برای مسلمانان واجب کفائی است.  
بدا در آفرینش :

بدا همان نسخ است با این تفاوت که اگر نسخ در تکوین بوقوع پیوندد « بدا » گویند و  
اگر در احکام و قوانین واقع شود « نسخ » می نامند.

قواعد کلی در تفسیر قرآن  
تفسیر روشن ساختن مفهوم آیات قرآن و واضح کردن منظور پروردگار است بنابراین  
نمی توان به موارد ظنی و غیر قابل اطمینان در تفسیر استناد کرد بلکه باید به دلایلی که  
عقلاً شرعاً حجیت و اعتبار آن ثابت و مسلم است تکیه کرد که این مدارک شامل  
ظواهر الفاظ قرآن ، عقل فطری و کامل ، دستورها و گفتارهای معصوم و اخبار ظنی  
معتبر می باشد. خبر واحد موثق در تفسیر قرآن حجیت دارد .

مسألة حدوث و قدم قرآن  
مسألة حدوث و قدم قرآن هنگامی پدیدار شد که مسلمانان به دو گروه اشعری و غیر  
اشعری تقسیم شدند اشعری ها به قدم قرآن معتقدند و کلام را به دو نوع کلام لفظی

<sup>۱</sup> - الناسخ و المنسوخ

نفسی تقسیم کردند و گفتند که کلام خدا از گونه کلام نفسی و معنوی است معتزلی ها و عدلیه نیز معتقد به حدوث قرآن شدند و کلام را تنها به کلام لفظی منحصر نمودند. اشعری ها به این موضوع اتفاق دارند که غیر از کلام لفظی معمولی یک نوع کلام دیگر وجود دارد و آن را کلام نفسی نامیده اند ولی مسلمانان دیگر قرآن را کلام لفظی و تکلم را صفت فعلی می دانند.

گفتار اشاعره را که طلب را غیر از اراده می دانند صحیح می باشد اما در اینکه طلب را صفت نفسی دانسته و آنرا و معنی و مدلول کلام نفسی شمرده اند راه خطا و اشتباه پیموده اند حال اگر منظور طرفداران کلام نفسی همان معنی باشد و وجود ذهنی با کلان نفسی بدانند مطلب درستی است ولی وجود ذهنی اختصاص به کلام ندارد بلکه به تمام افعال اختیاری انسان عمومیت دارد و اشاعره به وجود چنین کلامی و در نتیجه به قدیم بودن قرآن معتقدند ولی با بررسی دلایل اشاعره آشکار خواهد شد که کلام نفسی یک امر واهی و خیالی صرف بیش نیست و وجود چنین کلامی را هیچ دلیل عقلی و وجدانی تأیید نمی کند.

#### تفسیر سوره حمد :

این سوره در مکه نازل شده و همان سبع مثانی است که در سوره حجر از آن نام برده شده است . نام برده شدن آن در سوره حجر و خواندن آن در همه نمازها فضیلت این سوره را می سازند . تعداد آیات این سوره به روایت مشهور هفت آیه می باشد در این سوره دو مسأله مهم توحید خصوصاً توحید در عبادت و مسأله معاد و ایمان به روز حساب به انسان یاد آوری می شود . خداوند نخست خودش را با اوصاف کمال و جمال توصیف کرده و بافعال و اوصاف متعالی خود را معرفی می کند سپس راه دعا و

نیایش را به انسانها تعلیم می دهد و در آخرین مرحله این نکته را بیان می کند که راه نیکان از راه خشم زدگان و گمراهان متمایز و جدا است .

چون سوره های قرآن برای خارج کردن انسان از تاریکی شرک و جهالت و بردن به آخرین سر منزل سعادت و کمال است با نام پروردگار بزرگ شروع می شود و تنها سوره برائت از این قاعده مستثنی است خداوند متعال کتاب تدوین خود (قرآن) را با نام خود شروع کرده همچنان که کتاب تکوینش را با بزرگترین و کاملترین نامش که نور پیامبر گرامی و وجود معنوی وی می باشد شروع کرده و آنرا پیش از سایر موجودات هستی آفریده است علت تأخیر کلمه (رحیم) از کلمه (رحمت) در آیه بسمله این است که گرچه رحمن بر وسعت و عمومیت رحمت دلالت دارد ولی دلالت نمی کند که این صفت از لوازم ذات است لذا پس از ذکر رحمن، رحیم آورده شده است. تا بدین معنی نیز دلالت و اشارت شده باشد و هر دو هدف در این دو آیه کوتاه تأمین گردد که خداوند رحمن است یعنی رحمتش به همه چیز وسعت و احاطه دارد و هم رحیم است یعنی رحمت او از صفات دائمی و لوازم ذاتش می باشد و از ذرات او منفک نمی گردد.

تفسیر بخش اول سوره حمد  
سوره حمد از سه بخش تشکیل گردیده، بخش اول مربوط به حمد و ثنای خداوند توجه به صفات عالی کمال و جمال الهی است و بخش دوم آن مربوط به اظهار بندگی و استعانت در پیشگاه او است و بخش سوم آن مربوط به دعا و نیایش و خواسته های انسانی است.

بخش اول سوره حمد از سه آیه تشکیل شده است. « الحمد لله رب العالمین ،

الرحمن الرحیم ، مالک يوم الدين »

در نحوه قرائت کلمات ( الحمد ) و ( مالک ) در بین دانشمندان علم قرائت اختلاف

نظر موجود است ولی بهتر است به جای استفاده از تعلیها، فرمول بندی ها و قاعده

بافی ها از استعمال عربهای فصیح پیروی کرد و به آنها اعتماد و استناد نمود. جمله

« الحمد لله » به این حقیقت که تنها ذات اقدس و کامل خداوند سزاوار حمد و سپاس

است اشارت دارد و این اولین علت و انگیزه حمد و سپاس است و اما در جمله

« رب العالمین » به انگیزه دوم حمد که سپاس در برابر خلق و ایجاد تمام موجودات ،

نعمت وجود هستی ، تربیت روحی و جسمی و تمام عوامل رشد و پرورش است

اشاره دارد. « الرحمن الرحیم » انگیزه سوم حمد و سپاس را بیان می کند چون

خداوند رحمن و رحیم و سرچشمه رحمت است .

این آیه در سوره حمد تکراری یا برای تأکید نیست بلکه در آیه بسم الله برای تیمن و

تبرک و در این آیه بیان علت اختصاص داشتن تمام حمد و سپاس به خدا آمده

است .

جمله « مالک يوم الدين » انگیزه و علت چهارم حمد و سپاس را بازگو می کند چرا که

پایان و بازگشت همه اعمال و امور انسانها به سوی او است و مجازات اعمال تنها در

دست اوست و آن روز از بذل و بخشش خداوند برخوردار می شویم و لذا باید او را

در مقابل این دو صفت بزرگ حمد و ستایش کرد .

تفسیر بخش دوم سوره حمد

پس از آن که خداوند در آیات گذشته خود را تعریف و تمجید کرد، به بندگانش یاد می دهد که آیه «ایاک نعبد و ایاک نستعین» بخواند و به مفهوم حقیقت آن معترف باشند که آنان به جز خدا کسی را سپاس نمی کنند و انسان نباید به جز خدا کسی را عبادت کرده و دست نیاز به سوی او ببرد.

#### مسئله عبادت

عبادت به معنی پرستش فقط به خداوند بزرگ اختصاص دارد و مختص کردن عبادت به خدا همان توحید در عبادت است و توحید در عبادت هم از توحید ذات خدای واحد سرچشمه می گیرد که پیامبران برای ترویج و تعلیم همین مسئله آمده اند و کتابهای آسمانی نیز به همان منظور نازل شده اند آنجا که می گوید: «قل یا اهل الکتاب تعالو الی کلمه سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لا نشرک به شیئاً و لا یتخذ بعضاً بعضاً ارباباً من دون الله» (۶۴/۳).

اطاعت خداوند عقلاً بر همه واجب و تخلف از آن موجب عذاب است و خداوند در قرآن مجید برای اطاعت کنندگانش اجر و پاداش فراوان و به کسانی که از اطاعت او سر می پیچند عذاب سخت و مجازات دردناک وعده داده است اما اطاعت غیر خدا از نظر حکم شرعی گاهی واجب، گاهی حرام و گاهی مباح است مثلاً اطاعت رسول و اوصیای پاک او با دستور و فرمان خدا واجب و اطاعت شیطان و افرادی که انسان را به گناه فرا می خوانند حرام است گاهی هم انسان از غیر خدا اطاعت می کند بدون آنکه نهی یا امری از سوی خداوند شده باشد، اینگونه اطاعت نیز مباح است.

انسان علاوه بر اطاعت از اوامر خالق باید در برابر او خاضع و خاشع باشد.

خضوع و اظهار ذلت در برابر مخلوق نیز انجام می شود مثلاً گاهی انسان در برابر مخلوق خضوع می کند بدون اینکه او از سوی خداوند مقام و منصبی داشته باشد مثل خضوع فرزند در برابر پدر یا شاگرد در برابر استاد که جایز می باشد ولی گاه این خضوع در مقابل انسان دیگر ، در برابر مقام و منصبی است که معتقد می باشد از سوی خدا است مثل خضوع پیروان ادیان دیگر ، در برابر پیشوایان خود که حرام و ممنوع است و گاهی هم انسان در برابر انسان دیگر به اذن و فرمان خدا خضوع می کند مثل اظهار ادب در برابر پیامبر (ص) و جانشینانش .

پس هر نوع خضوع در برابر غیر خدا در صورتی که از طرف خدا نهی گردد حرام و ممنوع است و سجده کردن فقط اختصاص به خدا دارد و برای او هیچ مخلوقی جایز نیست .

حال اگر کسی از خضوعی که نهی شده یا عبادتی که منع شده است ، مرتکب شود کار حرام انجام داده ولی مشرک و کافر نیست انگیزه های مختلفی انسان را وادار به پرستش می کند گاهی انگیزه انسان همان علاقه ای است که نسبت به احسان خدا در درون خود احساس می کند گاهی انگیزه پرستش ترس از مجازات است و گاهی خدا را پرستش می کند به این جهت که او را سزاوار پرستش می داند که این نوع عبادت بالاترین نوع عبادت است .

مسئله استعانت و شفاعت

پس از بررسی موضوع عبادت در آیه «ایاک نعبد و ایاک نستعین» به موضوع استعانت می پردازیم خداوند در ابتدا با جمله «ایاک نعبد» و پرستش را خودش اختصاص میدهد و آنگاه با جمله «ایاک نستعین» روشن می سازد که این عبادت و پرستش به وسیله کمک و نیروی خداوند است و تمام امور در دست خداوند قادر است و تمام شفاعتها برای خدا است مگر افراد یکه خداوند به آنها اجازه شفاعت را داده باشد مثل شفاعت خواستن از پیامبر و اهل بیتش که نه تنها اشکالی ندارد بلکه شرعاً مورد تأیید قرار گرفته است.

تفسیر آخرین بخش سوره حمد

«اهدنا الصراط المستقیم ، صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم  
ولا الضالین»

بنده نمازگزار با این جملات از خدا درخواست می کند که او را به راه بندگان نیکش هدایت فرماید و بندگان نیک خدا دارای دو صفت هستند ، یکی اینکه خداوند نعمت فراوان به آنها داده (انعمت علیهم) صفت دوم اینکه آنان از این نعمتهای خدا دادی سوء استفاده نکرده و از غضب شدگان و گمراهان نگردیده اند (غیر المغضوب علیهم و لا الضالین) اما هدایت خداوند به دو قسمت هدایت عمومی (تکوینی) و هدایت خصوصی (تشریحی) تقسیم می شود که هدایت عمومی تکوینی همان هدایتی است که خداوند در طبیعت تمام موجودات اعم از جماد و نبات و حیوان به ودیعت نهاده است و اما هدایت عمومی تشریحی هدایتی است که خداوند تمام افراد بشر را به وسیله ارسال پیامبران و فرستادن کتابهای آسمانی هدایت کرده است و اما هدایت

جهت خرید فایل word به سایت [www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com) مراجعه کنید  
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

خصوصی یک نوع هدایت تکوینی و عنایت ربانی است که خداوند به مقتضای  
حکمتش آنرا به بعضی از بندگانش اختصاص می دهد .

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)  
[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)  
[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)



## نقد و بررسی

در این کتاب نکات و مسائلی که یک تفسیر بای شامل باشد و یک مفسر باید آنها را بداند و به آنها اشراف داشته باشد مورد بررسی قرار گرفته است قرآن کتاب آسمانی و معجزه جاودانی پیامبر اکرم است . که تا ابد بر اساس عقل و فطرت ، انسانها را به راه راست هدایت می کند و آنها را به اوج تمدن و انسانیت رهنمون می سازد ، لذا معجزه قرآن برتر از سایر معجزات پیامبران دیگر است این کتاب نیز عظمت و اعجاز قرآن را از ابعاد مختلف بخصوص از جنبه های علمی به دقت تجزیه و تحلیل می کند . همچنین با بررسی نسخ آیات قرآن ، قرآن را از هرگونه نسخ واهی آزاد می کند و طراوتی دیگر به روح جاودانه آن می بخشد . در این کتاب مسائل مورد اختلاف مسلمانان را با دقت علمی بررسی کرده و حقیقت را به آنان نشان می دهد و با این کار مسلمانان را از نظر فکر و عقیده بیشتر به هم نزدیک می کند گروهی می خواهند با اختلافات از طریق قرآن میان مسلمانان کشمکش ایجاد کنند و این کتاب با تحلیل مسائل اختلاف برانگیز و نشان دادن چهره اصیل و واقعی حقایق راه اتحاد و هماهنگی مسلمانان را به آنان نشان می دهد در پایان تفسیر سوره حمد را با رعایت همه نکات گفته شده بیان کرده است و تفسیر را بیشتر به صورت مباحث و موضوعات مربوطه به معانی قرآن مورد بررسی قرار می دهد و از خود آیات قرآن برای تفسیر آیه دیگر بهره می برد فقط به نظر می رسد پس از بررسی های علمی در مورد قرائتهای هفتگانه و بررسی نسخ آیات بررسی مجدد آن در تفسیر سوره حمد در تک تک آیات ضروری به نظر نمی رسد .